

مقدمات

چهارشنبه، ۲۱ شهریور ۱۳۹۷ ۱۷:۰۲

- لغتاً: نظافت از چرک و کثیفی و نجاسات
- اصطلاحاً (شرعاً): استعمال الطهور مشروط بالنیة
 - شهید ثانی در اینجا قید میزنند که تعریف ارائه شده مبنی است بر ثبوت حقائق شرعی که اگر مبنی بر حقیقت متشرعه هم بود شاید تفاوتی نداشت فلذا خیلی نیازی به این تقيید نبود (استاد)
 - این مبحث در جزوه الموجه مورد بحث و بررسی قرار گرفته شده است البته در حد توان
 - زمانی که ما در حال تعریف اعیان (ذات ها؛ چیزهای ملموس) هستیم اغلب میتوانیم تعریف دقیقی ارائه دهیم به نحوی که جنس و فصل آن مشخص باشد اما در مباحث انتزاعی نمیتوان جنس و فصل دقیق آورد فلذا است که در اینجا از الفاظی مانند: «بمنزلة الجنس»؛ «بمنزلة الفصل»؛ «کالفصل» و یا «کالجنس» استفاده میکنند
 - استعمال: در اینجا به منزله جنس است
 - طهور:
 - شهید ثانی:
 - اسم مبالغه در طاهر است
 - مراد از آن: «الطاهر لنفسه، المطهر لغيره» است
 - یعنی وجه مبالغه آن این نیست که خیلی تمیز کنند بلکه یعنی هم خودش طاهر است هم طهارت را ایجاد میکند
 - نکته ادبی: در اینجا در عبارت شهید ثانی طاهر با دو حرف جر متعلق واقع شده است در حالی که طهور خود متعدی است و میفرماید استعمال در اینجا شبیه مأكول است، که خودش متعدی نیست ولی آنچه مأكول از آن اسم مبالغه است متعدی به جر است
 - شهید اول: ماء و تراب
 - شهید ثانی برای این ماء و ارض قید اطلاق را می آورند و ادعای ظهور میکنند
 - اشکالات شهید ثانی:
 - ◆ اشکال اول
 - ◇ با این عبارت طهارت های که غیر مبیح لصلوة هستند هم داخل اند
 - ◇ طهارت غیر مبیح لصلوة عبارت است از طهارت ثلاث که به واسطه آنها نمی شود نماز خواند
 - ◇ مانند:
 - ▶ وضو جنب برای رفع کراهت خوردن یا خوابیدن
 - ▶ غسل مستحب (التبه به فتوی ایشان؛ مرجع معظم ما آیت الله مکارم این قسم را مبیح لصلوة میدانند)
 - ▶ تیمم بدل از غسل مستحب یا وضو برای رفع کراهت
 - ◆ اشکال دوم:
 - ◇ در این اشکال قید مشروط بالنیة نیز مورد استفاده قرار میگیرد
 - ◇ در مواردی انسان کاری را میکند و از طهورها استفاده میکند (آب و زمین) و این دو را خود به واسطه نذر مشروط به نیة میکند مثلاً شخصی نذر میکند هر بار لباس میپوشد برای رضای خدا بشورد که در این صورت واجب است قصد قربت بکنند و این از تعریف بر مبنای شهید اول خارج نیست
 - ◆ اشکال سوم:

◆ شهید ثانی به شهید اول ایراد وارد میکند که لفظ ارض باید جایگزین لفظ تراب شود زیرا :

▶ دلیل طهوریت ماء و ارض دو نص در قرآن کریم و سنت است :

– و انزلنا من السماء ماء طهورا

– قال النبی صلی الله علیه و آله : جعلتُ لی الارض مسجدا و طهورا

◆ شهید اول تراب را بدل از ارض آورده است در حالی که : ایشان تیمم را در دیگر کتب به غیر از تراب نیز صحیح

میدانند پس دقیقتر همانطور که در خبر نبوی صلی الله علیه و آله آمده است همان لفظ ارض است

◆ اشکال چهارم :

◆ دور پیش می آید؛ زیرا :

▶ ما الطهارة: استعمال طاهر لنفسه و مطهر لغيره مشروط بالنیة

▶ ما الطاهر لنفسه و مطهر لغيره ؟ الطهور

■ عبدالمهدی :

□ طهور اسم مبالغه است نه به معنی مد نظر شهید ثانی بلکه به معنی : «أی ظاهر، مطهر الروح و الجسم

□ استاد حمیدیه قبول نداشتند و با مزاح فرمودن که بحث دیگه عرفانی شد 😊😊😊

□ اما با توجه به مشکلاتی که در تعاریف از شهیدین مطرح است و تعاریف در هر دو مطلبی که بیان میفرمایند چیزهایی را داخل و چیزهایی را

خارج میکند بنظر میرسد این اشکالات به این تعریف وارد نشود

□ البته ممکن است بشود روایاتی را در این مساله به عنوان موید آورد

■ عبدالمهدی ۲ :

○ لازم نیست خود را به زحمت بیاندازیم : رافع الحدث جامع و مانع است و بس

○ مشروط بالنیة :

■ با این قید ازاله نجاسة از بدن و و یا حتی تطهیر مسجد که واجب است خارج میشود زیرا آنها هیچ کدام مشروط بالنیة نیست

■ اشکال :

□ در مواردی انسان کاری را میکند و از طهورها استفاده میکند (آب و زمین) و این دو را خود به واسطه نذر مشروط به نیة میکند مثلا

شخصی نذر میکند هر بار لباس میشود برای رضای خدا بشورد که در این صورت واجب است قصد قربت بکنند و این از تعریف بر مبنای

شهید اول خارج نیست

• عبدالمهدی :

○ توضیحی کلی در باب تعاریف فقهی :

■ تعاریف از لسان معصوم است بدون دخلو تصرف

■ یا تعاریفی است که فقها از روایات برداشت کرده اند

□ این تعاریف اصلا مانند تعاریفی که در علوم مختلف از باب تعریف علم مطرح میشود نیست

◆ در علوم مختلف به واسطه آن تعریف موضوعات اصلی و عارضی و زائد شناخته میشود

◆ به واسطه تعریف وظیفه علم و ... مشخص میشود

□ این تعاریف که توسط فقها ایجاد شده فقط و فقط فایده آموزشی دارد

□ البته اگر بشود تعریف جامع و مانع باشد شاید بتوان به عنوان یک قاعده فقهی از آن استفاده کرد

□ اما فایده اصلی آن همان جنبه تعلیمی دارد که به نوعی چکیده روایات است

احكام الماء

شنبه, ۳۱ شهریور ۱۳۹۷ ۱۷:۱۴

• حدث :

○ آن چه که موجبات وضو و غسل را فراهم می آورد و مانع برای نماز میشود

• خَبَث :

○ عبارت است از نجاسات که در آینده خواهد آمد

- آب مطلق به واسطه تغییر اوصاف ثلاث به نجاسة نجس میشود
- اوصاف ثلاث عبارت است از:
 - رنگ
 - بو
 - مزه
- باید حتما تغییر به واسطه نجاست باشد نه به واسطه چیز دیگری مثلا اگر به واسطه متنجس به غیر از نجاستش تغییر حاصل شود
- به عبارت دیگر حتما باید رنگ یا بو یا مزه نجاست بگیرد تا نجس شود ولی اگر به واسطه رنگ دادن پیراهن نجس؛ رنگش عوض شود آب را نجس نمی کند
- تغییر باید حسی باشد نه تقدیری علی اقوی:
 - مثلا اگر با آب کاری کنند به طور مثال به نحوی آن را یونیزه کنند که اگر 5CC خون در آن مقدار آب ریخته میشود باید رنگش عوض میشود حالا مثلا به واسطه یونیزه کرده یا سنگسن کردن آب و.... 10Lit هم خون ریخته شود رنگ و بو مزه آن وض نمیشود، این آب نجس نمی شود
 - مهم این است که در ظاهر چه اتفاقی می افتد
- نکته: اگر یک پیراهن نجس که رنگ میدهد را در آب کر بیاندازیم و با آن بشوریم و آن را از آب بیرون نیاوریم، و بعد از مدتی آب از آن پیراهن به طوری رنگ بگیرد که مضاف شود؛ آب ابتدا پیراهن را پاک کرده و آب هم چون کر بوده آن غساله ای که در آب بوده پاک است؛ اما بعد از رنگ دادن دیگر آب مضاف است و دیگر پاک کننده نیست، البته حقیر در مضاف شدن آن کمی تردید دارم

• زوال تغییر :

○ خود به خودی

○ به واسطه کاری که ما با آن میکنیم

▪ اگر آب جاری باشد

□ آب جاری :

◆ آبی که از زمین میجوشد و آب چاه نباشد (علی المشهور)

◆ مصنف در دروس : دوام جوشش شرط است

◇ از دوام دو مطلب به نظر میرسد :

▶ در حالت اول : چشمه های فصلی نیز شامل میشوند به شرط اینکه شبانه روزی نبع داشته باشند

▶ در حالت دوم : فقط چشمه هایی داخل هستند که در تمام مدت سال و همیشه نبع دارند

◆ توضیح : منظور این است که اگر آبی بنا است که پاک شود به واسطه ازاله نجاست توسط انسان یا غیر انسان فقط آب جاری

به این نحو تطهیر میشود

◆ علامه حلی و برخی آب جاری را مانند آب قلیل محکوم کرده اند در دو مطلب :

◇ به مجرد ملاقات با منتجس در صورت ازاله عین نجاست آن را پاک میکند ولو اینکه کم باشد (دلیل نقلی کمک میکند)

◇ با زوال تغییر ، نجاست آن برطرف نمی شود

• ملاقات با کر :

○ در این صورت هم ازاله نجاست لازم هست اما تنها علاجش همان اتصال به کر است چه در حین اتصال به کر ازاله صورت بگیرد چه بعد از

اتصال به کر

○ علامه حلی در اینجا آب جاری را هم مانند همین آب قلیل طهارتش را به همین واسطه میدانند

○ اگر یک استخر آب قسمت کوچکی اش خونی شود به صورتی که رنگ آب عوض شود ولی مقدار باقی مانده آب که تمیز است به مقدار

کر است تا زمانی که تغییر در آب صورت ننگرفته کل آب نجس است

▪ بنابر قاعده فقهی : الماء الواحد حکمه الواحد

▪ فلذا اگر یک آهن وسط این دو قسمت آب بگذاریم به طوری که کاملا از هم جدا شوند آب تمیز پاک است با اینکه تا قبل از گذاشتن

آهن نجس بوده ؟؟؟؟

▪ آیت الله مکارم علی الظاهر این قاعده را قبول ندارند زیرا باقیمانده آب یعنی آب پاکیزه را نیز پاک میدانند

○ از لفظ «لاقی کر» که مطلق است سه مطلب بدست می آید :

▪ ایشان وقوع آب کر بر آب قلیل نجس است را شرط نمیکند که دفعه باشد بلکه فقط صرف ملاقات کر با آب نجس کفایت میکند زیرا :

□ امکان وقوعی ندارد بلاخره وقتی بخواهیم کر را دفعه بریزیم همه اش به یکباره نمیزرد

◆ البته به نوعی امکان وقوعی نیز میتواند داشته باشد مثلا اگر یک وان آب نجس داشته باشیم و یک تانکر که به اندازه سه گُر

آب است و با شلنگ این دو را وصل کنیم به محض اتصال این دو به هم آب دوم هم متصل به کر و پاک میشود البته به دو

شرط :

◇ آب جاری متصل به کر را کر بدانیم (برخلاف نظر آیت الله مکارم)

◇ آب نجس به واسطه نجاست اوصاف سه گانه اش تغییر نکند

□ به محض ملاقات آب اون میشود آب واحد و آب واحد هم حکمش واحد است طبق قاعده فقهی

■ هم زدن شرط نمی شود و مطلق ملاقات کفایت میکند

□ هم زدن و ممازجۀ همه اجزاء آب با هم امکان وقوعی ندارد

□ این مطب از باب زور گویی است (تحکم) (زور گویی است که بگوییم باید حتما همه اجزاء آب با هم ممزوج شوند

□ اتحاد مد نظر در قاعده فقهی به محض ملاقات حاصل میشود

■ همچنین از اطلاق عبارت میتوان فهمید که شرط مساوی بودن سطح دو آب و علو مطهر بر نجس شرط نشده است

□ مصنف در دیگر کتبشان گویا قائل به این شروط شده است

• رطل عراقی : ۱۱۰۰ رطل

○ هر رطل عراقی : ۱۳۰ درهم وزن دارد

○ درهم : نقره

○ دینار : طلا

• مساحت:

○ شهید اول + آیت الله مکارم :

▪ ۷/۸ و ۴۲ وجب معمولی

▪ به عبارت دیگر یک مکعب مربعی که هر ضلع و قاعده آن ۵/۳ وجب

باشد کر است مثلا

○ مشهور :

▪ ۲۷ وجب که حاصل : $۳ \times ۳ \times ۳$ هست می باشد که گویا کافی است

کیفیه تنجس القلیل والبئر

شنبه ۳۱ شهریور ۱۳۹۷ ۱۷:۱۰

- آب قلیل: آن چه از کر کمتر باشد
- آب چاه: آن آبی که از زمین می جوشد و راکد است فلذا آب قنات ها از این مساله خارج است

○ این آب ها با ملاقات نجس نجس میشوند

- ملاقات با آب کر
- ملاقات با آب جاری که هم سطح با آن باشد یا آب پاک علو بر آب نجس داشته باشد و اگر چه به مقدار کر هم نباشد (البته افرادی که آب جاری رو مانند آب قلیل میدانستند این نظر را ندراند)

• به هر وسیله مطهری غیر از خود آب چاه

• نرح جمیع :

• نرح گُر :

○ میته اسب

○ میته خر

○ میته گاو

○ میته قاطر (مبنی بر دیگر کتب شهید اول)

■ نکته :

□ در اینجا شهره فتوایی بیشتر نمود دارد زیرا منصوصات ضعیف هستند

□ قاطر و خر ضعف نصشان با عمل اصحاب جبران میشود

□ اما همچنن ضعف گاو و اسب باقی میماند که بهتر است آن را به نرح

جمیع وارد کنیم یعنی « ما لا نص فیه »ها

• نرح هفتاد دلو ::

• نرح پنجاه دلو :

• نرح ۴۰ دلو:

• نرح ۳۰ دلو :

• نرح ۱۰ دلو :

■ عذره یابسه :

■ خون قلیل

□ مانند خون ذبح مرغ و پرنده ، گنجشک و

◆ البته در این جا نظر دیگری هست که در انتها به همان ده دلو

میرسیم

◇ ده عدد بیشتر است

◇ و ده پایین ترین مرتبه جمع مکسره به صیغه کثره هست و

البته در این که دلاء جمع کثره است بحث است

• نوح ۷ دلو :

○ میته پرنده (طیر / حمامه)

○ موش باد کرده (منتفخه)

■ التبه قید انتفاخ (باد کردن) ضعیف است (شہید ثانی)

○ بول پسر بچه :

■ از دو سال بالاتر ، و قبل از بلوغ

■ همچنین بچه شیر خواری که غذا خوردنش بر شیر خوردنش غلبه داشته

باشد یا مساوی باشد

○ غسله جنب :

■ جنبی که بدنش خالی از نجاست است

■ اگر ارتماسی غسل کند ، بدنش از حدث پاک میشود (غسل را انجام

داده) ولی آب نجس میشود !!!!!!!!!!!!!!! الله اکبر !!!!!!!!!!!!!!!

■ اگر ترتیبی غسل کند بحث دارد بر سر اینکه آب جز اول بعد از اتمام آن

نجس میشود و یا بعد از اتمام غسل !!!!!!! الله اکبر !!!!!!! مثلا اگر بناست بعد از

اتمام غسل نجس بسه شخصی با پنج دلو بناست غسل بکنه چهار دلو اول

رو آب میکشه و غسل میکنه و دلو آخر رو از چاه میبره بیرون و طوری که

به چاه نریزه غسل رو تمام میکنه آیا حالا اون آب چاه نجس

شد ؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟

■ غسله دیگر غسل ها شامل حال این مطلب نمی شود

○ خروج سگ زنده از آب

• نرح ۵ دلو :

○ فضله مرغ نجاست خوار (دجاج الجلال)

▪ برخی از باب مالا نص فيه نرح جميع گفته اند

▪ برخی از باب ادخال در عذره ۱۰ دل گفته اند

▪ برخی ۵ دلو از حیث اجماع بر از پنجمی که اول گفته شدزیادی نداره

• نرح ۳ دلو

○ موش باد نکرده (عدم انتفاخ)

○ مار

▪ منبع این ضعیف است

▪ برخی براین دلیل آورده اند که چون خون جهنده دارد میتة آن نجس است

□ حرف مشکوک است کی گفته خون جهنده دارد

□ روایت مبنی بر مدعی (۳ دلو) نیست

○ وزغ:

▪ شاهدهی بر این مدعی نیست

○ عقرب :

▪ مستحب است زیرا نجاست ندارد بلکه فقط جهت دفع سم است

• نرح یک دلو :

○ گنجشک

○ بول بچه که هنوز شیر خوردنش بر غذا خوردنش غلبه دارد

▪ در کتاب دیگر بچه مسلمان بودن را قید زده است .

• وجوب تراوح با چهار نفر :

○ تراوح : یعنی چهار نفر مرد به صورت دو نفر دو نفر آب بکشند از آب یک

روز کامل

○ تراوح به عبارت دیگر همان نرح جميع است برای چاه هایی که هر چقدر هم

که آب بکشی به علت نبع دائمی (جوشش) آبشان خشک نمی شود و باید اینکار را کرد که چهار مرد یک روز از اول صبح تا اول شب از آن آب بکشند.

○ در نتیجه زمانی که ما محکوم به نرح جمیع می‌شویم و آن مقدور نیست مشغول به تراوح می‌گردیم

○ نکات

- باید مقداری از شب قبل و بعد رو جهت مقدمه (علمی) مشغول به نرح باشند
- جایز نیست همان مقدار زمان (اول صبح تا آخر) شب را حساب ککند و همین مدت را در شب نرح کنند
- جایز نیست همان مقدار زمان را بخشی اش را در شب و بخشی از آن را در روز انجام دهند فقط از اول صبح تا اول شب
- اسباب نرح رو قبل از شروع مدت مقرر تهیه کنند
- باید حتما چهار نفر باشند و جایز است بیشتر بشوند و اگر نشوند اگرچه مثلا دونفری که اندازه ۵ نفر کار میکنند باشند هم صحیح نیست
- این چهار نفر یا بیشتر اجازه دارند کار رو به طور کلی برای نماز جماعت ترک کنند ولی اگر قصد جماعت ندارند دو نفر دو نفر نماز بخوانند که کار در یک لحظه تعطیل نشود
- شهید اول با آوردن لفظ «اربعه» قید زد که باید حتما افرادی که نرح میکنند مرد باشند ولی شهید ثانی دلیلی بر این نمی یابد، و محقق حلی حضور کودکان و زنان رو نیز جایز دانسته است
- نرح برای چاه هایی که صفات سه گانه آنها تغییر کرده باشد :
 - نرح «جمع بین مقدر و زوال التغير»:
 - اگر چاه با ناستی که در روایات برای آن مقدرای نرح مشخص شده است نجس شد ؛

- باید به مقدار مقرر شده در روایات عمل کنیم و نزع انجام دهیم
- اگر بعد از آن مقدرا نزع تغییری که به واسطه نجاست در آب ایجاد شده بود از بین رفت که آب پا شده
- و اگر آن تغیر از بین نرفت تا زوال تغیر باید ادامه داد
- نزع «برای آن نجاستی که مقداری معینی ندارند»:
- قول اول: اکتفا کرد به ازاله تغیر
- قول دوم: نزع جمیع واجب ایت و اگر مقدور نبود تراوح؛
- قول دوم بهتر است
- اما برخی هستند در باب مالانص فیه فتوی به نزع ۳۰ دلو یا چهل دلو میدهند به جای نزع جمیع در اینصورت حالت زیر پیس می آید:
- اکتفا به ازاله نجاست
- در حکم مالانص فیه و؛
- ◆ نزع ۳۰ دلو
- ◆ نزع چهل دلو
- ◇ در این صورت باید اکثر امرین مراعات گردد؛
- ▶ اگر ۳۰ یا ۴۰ دلو نزع کردیم و ازاله تغیر حاصل شد
- تمام
- ▶ اگر ۳۰ یا چهل دلو نزع کردیم و ازاله تغیر حاصل
- نشد اینقدر نزع میکنیم تا ازاله تغیر نیز حاصل شود

- تعریف: آن چه که نشود به صورت مطلق به آن آب گفت؛
 - مانند: آب میوه ها
 - یا اینکه چیزی با آن مخلوط شود که دیگر نشود به آن آب گفت به صورت مطلق مانند خورشید و شربت و...
 - البته امتزاج و حل شدن به طوری که اسم آن را از آن سلب نکند ، مضاف نیست مثل آب نمک و آب گل آلود
- احکام:
 - فی نفسه و فی ذاته پاک است .
 - غیر خود را پاک نمی کند نه حدث و نه خبث
 - شیخ صدوق ؛ با گلاب میتوان وضو و غسل جنابت کرد
 - شهید ثانی روایت آن را مردود میدانند
 - سید مرتضی : گلاب را مطهر نجاسات میدانند

- با اتصال به نجس نجس میشود
- به واسطه سیروت به آب مطلق پاک میشود که اتصال به کر داشته باشد
 - (بنا بر قول اصح) به آب مطلق و کثیر باید متصل بشه البته نه هر نوع اتصالی ، مثلا اینکه یک سر شلنگ از منبعی که بیش از کر آب دارد را وقتی در پارچ شربت نجس قرار بدهیم ، پاک نمی شود ، زیرا همان شربت باید به آب مطلق سیروت پیدا کند
 - دو قول مقابل :
- به واسطه غلبه دادن آب کثیر مطلق بر اون به طوری که اوصاف اون آب مضاف تغییر کند
 - ◆ بنا به اصل استصحاب ، این کار صحیح نیست زیرا ما علم به نجاست داریم و و بقا نجاست اصالت دارد
- به واسطه اتصال به آب کثیر به ای نحو و اگر چه اسمش باقی بماند مانند اتصال به واسطه شلنگ
 - ◆ در این صورت این قول صحیح نیست زیرا شرط طهارت آب مضاف این است (مانند پتو و..) که آب مطلق با تمام اجزایش اتصال پیدا کند که تا زمانی که آب همچنان مضاف است امکان ندارد این اتفاق رخ دهد و به نوعی سیروت پیدا کند تا بشود مطلق و در آن صورت پاک بشود
- استاد حمیدیه بحث غیبت مسلمان را مطرح فرمودند که مثلا شخص شربت نجس را در اتاق بگذارد و خود برود و شخص دیگری بیاید و به علت غیبت او شخص دیگری بیاد و با علم به رضایت شخص و یا احتمال آن میتواند آنرا بخورد زیرا مالی

که تحت اختیار مسلمان بوده است و مسلمان غیبت کرده است میشود آنرا خورد
(نقل مضمون التبه مقداری هم تکمیل شد)

• سور الحیوان :

○ مراد آب قلیل است که حیوان از آن خورده است

○ سورهای مکروه :

■ جلال

□ سور حیوان نجاست خوار مکروه است

□ التبه اگر این حیوان قبل از خوردن آب نجاست خورده باشد بطوری که

مثلاً وقتی دهانش را برای خوردن به آب بزند و آن نجاست باقی مانده بر

لب و دهانش به آب بخورد آن دیگر نجس است نه مکروه

□ در این جا از جلال مراد حیوانی است که نجاست انسانی میخورد به طور

خاص؛ تا جایی که گفته شود از این نجاست برای اون گوشت روئیده یا

استخوان های او محکم شده

□ یا اینکه در عرف به آن نجاست خوار بگویند

■ آكل الجيف مع الخلو عن النجاسته

□ حیوانی که مردار میخورد

□ التبه اگر این حیوان قبل از خوردن آب نجاست خورده باشد بطوری که مثلاً

وقتی دهانش را برای خوردن به آب بزند و آن نجاست باقی مانده بر لب و

دهانش به آب بخورد آن دیگر نجس است نه مکروه

■ حائض المتهمه

□ زنی که اهل نجاست و پاکی نیست، اهل مراعات نیست

□ شهید ثانی؛ این بین زن و مرد اطلاق دارد یعنی زن و مردی که اهل

مراعات نیستند شهید اول در دروس نیز چنین فرموده اند

◆ نکته : علی الظاهر یا نباید اینجا این مطلب را می آوردند یا اینکه نباید

در ابتدای بحث سؤر را مختص انسان میکردند

■ سؤر البغل و الحمار :

□ نیم خورده الاق و خر

□ این کراهت ناشی از کراهت اکل گوشت اینهاست

■ سؤر الفاره والحیه :

□ موش و مار

■ سؤر کل ما لا یؤکل لحمه :

□ همه حرام گوشت ها غیر از گربه

■ ولد الزنا ؛

□ قبل از بلوغ

□ بعد از بلوغش ، ولو اینکه اظهار به اسلام کند

◆ با این ایراد هست که نباد این دسته از انسان ها را داخل در حیوانات

میکرد

• مستحب است بین بئر و بالوعه در برخی موارد ۵ ذراع و در برخی موارد ۷ ذراع

○ بالوعه :

- چاهک است و یا به عبارتی دیگر به همان چاه دستشویی هم گفته میشود
- در اصطلاح در اینجا به معنی چاهکی است که آب نرح شده را درون آن میرزند

○ حالات شش گانه :

▪ ۵ ذراع :

۱. زمانی که چاه و بالوعه در زمین (خاک) سفت و سخت قرار دارند و هم سطح باشند
۲. زمانی که چاه و بالوعه در زمین (خاک) سفت و سخت قرار دارند و بئر نسبت به بالوعه مرتفع باشد
۳. زمانی که چاه و بالوعه در زمین (خاک) سفت و سخت قرار دارند و بالوعه نسبت به بئر مرتفع باشد
۴. زمانی که زمین شیب دار است و بالوعه زیر چاه قرار میگیرد

▪ ۷ ذراع :

۵. زمین (خاک) شل بود و هموار
۶. زمین (خاک) شل بود و بالوعه ارتفاع داشت

○ نکته :

- در زمین هموار و ساف که فوقیت و تحتیت و ارتفاع مشخص نیست به واسطه جهت فوقیت و ارتفاع مشخص میشود؛ زیرا همیشه آب از سمت شمال به سمت جنوب حرکت میکند و این مروی است
- استاد: شاید بشه گفت که این مساله فقط در نیم کره شمالی صدق کند و نه در نیم کره جنوبی
- و این مساله مستحبی است و اگر فاصله بئرو بالوعه کمتر هم بود آب چاه نجس نمی شود؛ به خاطر اصالة طهارت و اصالة بر عدم اتصال؛ مگر اینکه علم پیدا کنیم که بالوعه و بئر با هم متصل شده اند در این صورت بئر نجس میشود (طبق فتوی شهیدین در لمعه)

- ادرار و مدفوع؛ موجود غیر خوردنی که خون جهنده دارد
 - اصالة: مانند گربه و... که حرام گوشت اند
 - بالعرض: مانند مرغ جلال: مرغ نجاستخوار که تا زمان استبرا نمی شود گوشت او را خورد
- خون، منی و میته موجودی که خون جهنده دارد
- سگ و خوک:
 - و همچنین تمام اجزاء بدنشان و اگر چه ذبح شرعی شده باشند
 - و هر آنچه از آنها متولد بشود و اگر چه دیگر به او سگ نگویند
- سوال: حکم تخم باور شده سگ و خوک که در رحم حیوان دیگری کاشته شده باشد؛ و از حیوان دیگری به دنیا آمده چیست؟
 - اگر به آن سگ و خوک گفته شود نجس میشود
- سوال: حکم تخم بارور شده حیوان دیگری که در رحم این دو حیوان رشد کرده و به دنیا آمده چیست؟
 - اگر از جفت گیری دو سگ یا دو خوک نبوده باشند یعنی یک سگ و یا یک خوک با یک گاو یا یک گوسفند جفت گیری کند، اگر به مولود سگ یا خوک گفته شود نجس میشود
 - اگر به آن سگ و خوک هم گفته نشود پاک میشود ولی حرام گوشت است به خاطر اصل در این موضوع:
 - اصل در گوشت: همه حرام گوشت هستند تا خلافش ثابت شود
 - اصل در پاکی: همه پاک هستند تا خلاف ثابت شود
- کافر:
 - اصلی: از اول کافر بوده
 - مرتد: مسلمانی که کافر شده است
 - یا اینکه بعضی از ضروریات اسلام را منکر شود
 - مانند توحید و نبوة و بعضی از ضرورت های دین مانند نماز و روزه
- مسکر مایع بالصالة
 - یعنی از اصل مایع باشد
 - مانند:
 - مسکر انگور: خمر
 - مسکر خرما: نیذ
 - مسکر عسل: تبع

▪ مسکر خرما نارس (سُبر) : فضیخ

▪ مسکر جو : جوعه

▪ مسکر ذرت : مَرَز

• فقاع :

○ آب جو ، از ماءالشعیر گرفته میشود (آب جو)

○ با جوعه که مسکر جو است متفاوت است

○ اینکه یک چیزی مشمول حکم فقاع شود باید :

▪ مسکر باشد

▪ نام آب جو بر آن اطلاق شود

○ باید این شروط هردو باهم باشند

• آب انگور به غلیان در آمده (شهید اول ذکر نکرده)

○ آب انگور اگر روی آتش به غلیان در بیاید نجس میشود تا دو سوم آن تبخیر شود ، و تبدیل به شیره شود آنگاه پاک میشود

○ مرحوم آیت الله بهجت و آیت الله مکارم خرما را نیز داخل این حکم میدانستند

○ شهید اول چون دلیلی بر نجاست این نیافته آنرا نیاورده است و در کتب ذکری و بیان نیز این مطلب را گفته است (البته این

احتمال شهید ثانی است)

○ لکن در باب مطهرات آمده ثلثان شدن و علی القاعدن این باید ز نجاسات باشد که آن جز مطهرات باشد

○ برخی افراد این را داخل در مسکرات مایع کرده است

- ازاله نجاست به واسطه نماز واجب است از اشیا زیر:
 - ثوب (لباس)
 - بدن
 - مسجد الجبهه (پیشانی سجده گاه)
 - ظروفی که برای ایجاد طهارت از آنها استفاده میشود
 - ازاله نجاست از موارد زیر واجب است بالاصالة:
 - مساجد
 - ضرائح مقدسه
 - در اینجا لفظ ضریح آمده است؛ لفظ ضریح دال بر صحن ها و... نمی کند
 - ولی از باب؛ اهانت به مقدسات و تعظیم شعائر میتوان حکم به تحریم نجاست و وجوب ازاله نجاست از صحن ها و... کرد (استاد)
- قرآن

• دم الجروح و القروح مع السيلان دائما :

- جروح : زخم هایی که عامل بیرونی دارند مانند بریده شدن با چاقو و ...
- قروح زخم هایی که صرفا عامل درونی دارند مانند دمل ها و جوش ها و....
- قیود :

▪ دائما سيلان داشته باشد

▪ زمان نماز وسعت ندارد

□ اما اگر وقت وسیع داشته باشد در کتاب ذکرى ازاله را واجب میکند تا ضرر هم مرتفع گردد .

□ شهید ثانی ؛ آنچه که از اخبار فهم میشود عدم وجوب ازاله است مطلقا تا زمانی که زخم خوب شود و این نظر قوی است

▪ وسعتش از درهم بغلی کمتر باشد ؛

□ قدر آن به اندازه گودی کف دست است

□ بند بالایی انگشت شصت

□ و بند انگشت سیابه

▪ این خون غیر از دماء ثلاثه است

□ برخی از فقها خون حیوان نجس العین رو به خاطر اینکه انجس بوده اند داخل در حکم بالا کرده اند !!! و نصی در این

باب نیست (مگه خون خوک و سگ از خون گوسفند نجس تره ؟؟؟؟)

○ آراء:

• لباس پرستار بچه

• لباس کوچک

- باید لباس را دوبار شست و بین هر بار شستن آنرا فشار داد تا آب آن خارج شود
 - البته نمی شود به قدری فشار داد که اطمینان حاصل شود که همه آن خارج شده است و باید در اینجا مقداری عرفی فشار داد یعنی مقدار که عرفاً گفته شود که این شخص غسله آنرا خارج کرده است
 - زیرا غسله تطهیر با آب قلیل نجس است
 - فشار دادن بعد از شستن آن نیز معتبر است؛ و وجهی برای ترکش نیست
 - فشار دادن بعد از بار دوم در رابطه با بول منصوص است
 - شهید اول این را از باب مفهوم موافق میگیرد که بقیه نجاسات انجس هستند پس به اولویت باید برای ادرار دوبار شستشو شود
 - شهید ثانی به این مطلب ایراد میگیرند:
 - ◆ زیرا این ها در نجاست مساوی هستند یا اینکه آنها در نجاست ضعیف تر هستند (یعنی بول انجس است نسبت به آنها) زیرا:
 - ◇ خون قلیل برای نماز معفو است
 - ◇ میتوان به یک بار شستن اکتفا کرد در غیر ادرار (بنا بر قول اقوی و نظر شهید ثانی+شهید اول در البیان)
 - در این مورد (در این که ادرار نجس ترین نجاسات است) ادرار شیر خوار استثنا شده است زیرا:
 - فشار دادن بعد از شستن آن واجب نیست
 - و دو بار شستن آن نیز واجب نیست
 - در حالیکه این دو مطلب در غیر ادرار بچه شیر خوار جاری است
 - نکته: این مطالب در باره شستن به واسطه آب قلیل بود نه آب جاری و آب کر که در آنها یکبار شستن کفایت میکند یعنی همین که بکبار مثلا باس نجس را که عین نجاست در آن نیست در این دو نوع آب قرار دهیم و آب با محل نجاست اصابت داشته باشد کفایت میکند

کیفیه تطهیر البدن و الإناء بالقلیل

جمعه، ۱۳ مهر ۱۳۹۷ ۱۲:۱۰

- بدن دو بار با آب قلیل تماس داشته باشد پاک میشود
 - مبنی بر نظر شهید اول که میفرمودند مطلقا باید دوبار تماس داشته باشد (برخلاف نظر شهید اول)
- در حکم بدن سنگ و چوب است؛ و هر آنچه غساله بسهولت و راحتی از آن جدا میشود
- و همچنین ظروف هستند
 -

- اگر سگ از یک ظرفی با زبان چیزی بخورد (لیس یزند)
 - باید قبل از این که آن را دوبار با آب بشوییم یکبار آنرا با خاک طاهر؛ خاک مال کنیم
 - اگر خاک نبود با آنچه شبیه به خاک است و اگر چه به ظرف آسیب برسد یا باعث فساد ظرف بشود
 - در حکم فرقی بین ولوغ و لطح نیست
 - مراد از لطح آن است که حیوان بدون اینکه ایمی از بدنش اصابت بکند با زبان لیس یزند و بخورد
 - فرقی در اینکه سگ یکبار دهانش را در آن بکند یا ده بار بکند نیست مانند سایر نجاسات
 - مستحب است بعد از خاک مال کردن هفت بار آن را با آب بشوییم

کیفیه تطهیر الاناء عند ولوغ الفارۃ والخنزیر

جمعه، ۱۳ مهر ۱۳۹۷ ۱۶:۳۴

- مستحب است که این دو نیز هفت بار شستشو داده شوند
- و با تمسک به اطلاق دوبار کفایت میکند
- اقوی آن است که در ولوغ خوک نیز هفت بار واجب است زیرا روایتش صحیح است
- و مستحب است سه بار شستن در ما بقی نجاسات با توجه به امری که در اخبار شده است

- غسالة : آبی که از محل شستن جدا شده است
 - منظور آبی است که از ظرف و سنگ و ... بعد از شسه شدن میرزد و همچنین آبی که بعد از آبکشیدن لباس نجس و... با فشار از آن خارج میشود
- کیفیت تطهیر :
 - آراء :
 - شهید اول و شهید ثانی این قول را اجود خواند :
 - مانند محل قبلش است :
 - ◆ مثلاً اگر لباسی به ادرار نجس شده است و برای بار اول با آب قلیل روی آن میرزیم و سپس آنرا فشار میدیم و آن آب اگر به چیزی بریزد باید آن شی را نیز دوبار شست و اگر لباس را شستیم و آبش را گرفتیم و برای بار دوم آبکشیدیم و سپس آب آنرا با فشار گرفتیم ، و آن آب بار دوم به جایی اصابت کرد یکبار آب کشی کفایت میکند
 - ◆ اگر مخلوطی از غسالة بار اول و بار دوم به وجود آید باید دوبار شی نجس شده به واسطه غسالة را شست
 - شهید ثانی :
 - ◆ ایشان قائل بودند که فقط ادرار و ولوغ دوبار نیاز به آبکشی با آب قلیل دارد
 - ◆ ایشان مد نظرشان است که غسالة آنها نیز یکبار آبکشی بیشتر لازم ندارد ، زیرا دیگر به آنها نام ادرار و ولوغ اطلاق نمی شود
 - نظر دوم :

□ غسله مانند محل قبل از غسله است مطلقا یعنی فرقی ندارد که غسله بار اول باشد یا بار دوم کلا باید مانند محل نجاست آن را شست

■ نظر سوم:

□ غسله در حکم محل نجس ما بعد از طهارت است هر چند که از شستن بار اول باشد یعنی کلا طاهر است

■ نظر چهارم:

□ در حکم مابعد آن است

◆ یعنی اگر غسله از آبکشی اول است یکبار آبکشی میخواهد

◆ و اگر غسله از آبکشی دوم است اصلا آبکشی نميخواهد و طاهر است

• ماء الاستنجاء

- این آب از موارد غسله استثنا شده است
- غسله آن مطلقا پاک است
- مشروط به این که :
 - به واسطه نجاست رنگش عوض نشده باشد
 - نجاست داخل در آن نباشد
 - غیر از اصابت به مخرج انسان با چیز دیگری مانند خون بواسیر نجس نشده باشد که در اینصورت نجس است
- البته این در صورتی است که شخص با آفتابه یا امثاله طهارت حاصل کند ، نه به واسطه شلنگ که امروزه مرسوم است ، که مراجع بعضی آنرا داخل در حکم آب جاری و برخی داخل در حکم آب کر میخوانند
- شنیده شده است در قطار ها آب مورد استفاده در سرویس های بهداشتی در منبع هایی است که آبشان قلیل است و طبق حکم مراجعی که آنرا آب جاری نمیدانند آن نیز آب قلیل به حساب می آید

• آب مطلق

○ مطهر همه نجاسات که قابلیت تطهیر داشته باشند

• زمین

○ پاک میکند

▪ باطن النعل :

□ ظاهر نعل

□ مراد از نعل ، آن چیزی است که زیر پا قرار داده میشود برای راه رفتن (کفش) و بر زمین واقع میشود

□ جنسش فرقی ندارد چه از چوب باشد یا چیز دیگر

□ کسی که پایش قطع شده چوب عصایش در حکم نعل است

▪ پایین ترین قسمت پا

▪ خاک پاک کننده ولوغ است

○ شرط :

▪ عین نجاست برطرف شود

▪ با آن کف کفش و.. را رفته شود

▪ سنگ و شن و ماسه و اینها نیز زمین هستند ولی آسفالت زمین نیست

▪ اگر نجاست جرم و رطوبت نداشت مسمی امساس کفایت میکند

▪ در زمین فرقی بین جافه و رطبه نیست

▪ برخی طهارت ارض را شرط دانستند و برخی نداستند و از اطلاق نص و فتوی عدم این شرط بر می آید

▪ خاک نیر پاک کننده ولوغ است

• جسم طاهر

○ غیر لزج باشد و صیقلی و صاف نباشد

○ مخرج غائط را پاک میکند مشروط به آنکه آنقدر مقدارش زیاد نباشد که به اطراف رسیده باشد

• خورشید

○ خورشید اشیا زیر را پاک میکند مشروط به شروطی:

▪ آنچه که قابلیت انتقال دارد ، حصیر و بوریا

▪ آنچه قابلیت انتقال ندارد مانند درخت یا خانه و یا

○ مشروط به اینکه :

▪ آن اشیا عین نجاست از شان بر طرف شده باشد

▪ اشیا خیس باشند و به واسطه نور خورشید خشک شوند و حرارت خورشید به تنهایی کفایت نمی کند یعنی حتما خورشید بر آنها تابد

▪ ایشان کمک کردن باد را گویا اشکال نمیدانند برخلاف بعضی از فقهای امروزی

• آتش

○ زمانی که استحاله کند و آن را تبدیل به دود و خاکستر قرار دهد

○ البته نه کوزه پخته شده یا آجر رو

○ شیخ به طهارت این دو نیز فتوا میدهد

• نقصان بثر به واسطه نزع

○ بنا بر تبعیت آلات نزع و... هم پس از اتمام آن پاک میشوند

• تبخیر شدن دو سوم آب انگور

○ در اینجا نیز آلات آن به تبعیت پاک میشوند

• استحاله :

○ مانند میته یا عذره یا نطفه و مضغه که حیوان بشود غیر از سگ و خوک و کافر ... که تبدیل به خاک میشوند

• زمانی که شراب سرکه شود

• اسلام

○ که بدن کافر و هر آنچه با اوست را پاک میکند

• زوال عین نجاست :

○ هر آنچه باطن بدن است مانند دهان داخل گوش و بینی و ... با زوال نجاست پاک میشوند

○ به این واسطه اجسام خارجی که داخل اون هست پاک نمیشود البته مانند سرمه و غذا

○ البته اب دهان و ... نیز همانطور هستند و پاک میشوند

○ و آنچه که در دهان از غذا باقی میماند پاک میشود به وسیله مضمه (دوبار اگر نجاست بول باشد و یکبار اگر نجاست

غیر بول و وولوغ باشد)

الوضوء

شنبه, ٣١ شهريور ١٣٩٧ ١٧:١٥

- در روایات هم لفظ موجب استفاده شده هم ناقص
 - ادار و مدفوع و گاز معده از مخرج خودش و اگر آنها بدلیلی بسته شده اند از هر طریقی
 - خوابی که غلبه کند بر سمع و بصر
 - بلکه بر تمام حواس
 - علت این که سمع را تخصیص زده اند این است که آخرین جایی که از کار می افتد گوش است پس وقتی آن از کار افتاد یعنی همه احساس از کار افتاده است
 - شهید ثانی ایراد میگیرند که شهید اول نباید بصر را تخصیص میزد چون زود از کار میافتد
 - آن چه که عقل را زائل کند
 - از مسکرات یا بی هوشی و...
 - استحاضه

• نیت :

○ یعنی قصد برای انجام فعل که باید مقارن با شروع فعل باشد که همان شستن صورت از بالا است زیرا

▪ آن چه که غیر از این است دیگر وضو نیست

▪ مقارنه با اول افعال وضو باید داشته باشد فلذا شستن از بالاترین قسمت صورت جزء وضو حساب

نمی شود مگر با نیت

○ باید مشتمل باشد بر وجه کار : اینکه مستحبی است یا واجب است و وقتی در زمان عبادتی است که به

آن احتیاج دارد واجب است و در غیر آن مستحب است

○ باید مشتمل باشد بر قصد تقرب الی الله و قصد بکند که کارش

▪ جهت امتثال امر مولی است

▪ یا موافقت با اطاعت اوست

▪ یا طلب رفعت درجه نزد او

▪ یا اینکه غایت آنکار برای او است

○ باید مشتمل باشد بر قصد اباحه صلوه باشد یا رافع حدث اصغر باشد

▪ فلذا آن وضویی که بعد از وضو گرفته میشود و مبیح صلوه نیست طهارت محسوب نمی شود

▪ عبدالمهدی این را قبول ندارم زیرا رافع حدث و اباحه صلاه بسیط هستند ، و هر دو در یک زمان

صورت میگرد و در فرض بیان شده وضو بعد از وضو نیز نه رافع است و نه مبیح

▪ در کتاب لفظ او آمده است بین رافع و استباحه ؛

□ بله غالبا اینطور هست که استباحه با رفع حدث یکی است اما بنظر میرسد علت عطف در اینجا

ان باشد که گاهی انسان وضو میگیرد در غیر وقت نماز و فقط نیت میکند که با این وضو

قرآن بخواند پس این وضو رافع حدث است ولی مبیح صلوه نیست

▪ در وجوب قصد قربت در عبادات کسی شک ندارد و تمیز بین عبادت و غیر آن در همین است

▪ نکته دیگر در متن کتاب که اگر شخص در وقت صلاه وضو گرفته واجب و در غیر آن مندوب

است

■ از طرف دیگر ممکن است شخص در خارج وقت نماز به علت نذر یا عمل دیگر وضو بگیرد

● جریان آب:

○ یعنی در هر جزئی که باید شسته شود آب از روی آن حرکت کند و مبه جای دیگر منتقل شود

○ این جریان میتواند به واسطه چاذبه باشد (علی الظاهر نباید شستن به این اطلاق گردد) یا به واسطه معین

باشد و استاد حمیدیه دام ظلّه معین را در اینجا دست دیگر میدانستند

○ باید صورت را شست به پهنای کف دست تا انتهای انگست وسطی یا ابهام از رستنگاه مو تا پایین چانه

■ ملحقات:

□ مواضع تحذیف: جاهایی که اطراف صورت در پیشانی به صورت غیر معمول مو رویده

است فاصله بین خط ریش و ...

□ خط ریش

□ عارض

□ باید در بین ریش را تخلیل کند یعنی آن جاهایی که پوست صورت دیده میشود

◆ «فی المجلس التخاطب» یعنی اگر کسی با ما صحبت میکند پوست را ببیند

◆ مراد از تخلیل این است که آب به پوست برسد

◆ اما اگر پوست ظاهر نیست همان ظاهر ریش شسته میشود

◆ اقوی: عدم وجوب تخلیل است مطلق یعنی چه ریش کم باشد چه زیاد نظر مصنف

در دیگر کتب نیز همین است

◆ ریش در لحيه و گونه ها و سبیل و ... یکی است

● شستن دست راست از آرنج تا انگشتان

○ منظور اینجا محل جمع شدن دو استخوان ساعد و بازو است نه نفس مفصل

● شستن دست چپ به روش فوق

○ آن چه که به عنوان گوشت اضافه یا دست اضافه و یا ... نیز در محدود است باید نیز شسته شود

○ و همچنین موهای دست

● مسح جلوی سر:

○ یا اینکه موی خود را مسح کند البته مشروط به اینکه مو بیش از حد بلند نباشد

○ مقدار کافی این است که در عرف بگویند مسح کرده است و اگر چه با مقداری از یکی از انگشت ها

بوده است

- انگشت را بر سر بکشد تا اینکه اسم مسح بر آن اطلاق کند نه اینکه فقط انگشت را بر سر بگذارد
- مسح کردن مقداری خارج از موضع مثلاً پشت سر اگر به قصد وضو باشد حرام و اگر به قصد وضو نباشد مکروه است

• مسح ظاهر پا راست

- از ابتدای انگشت ها تا برجستگی پا
- برخی آن را دو برآمدگی پا میدانند برخی تا مفصل

• مسح پای چپ

- با باقی مانده از رطوبت وضو
- از پایین به بالا در آن شرط نشده فلذا شخص میشود که برعکس عمل کند در مسح ها
- ولی در دروس این را اختصاص به پا داده اند

• ترتیب بین اعضا

- اگر ترتیبی که بیان نشد باید اعاده شود
- مصنف در بعضی از کتبش ترتیب بین دو پا را ذکر نکرده است

• موالات؛

- اینکه عضو قبل خشک نشود بنا بر قول اشهر
- مراد از خشک شدن حسی است نه تقدیری
- فرقی بین عامدو ناسی و جاهل نیست

- مسواک زدن :
 - با چوب پارچه و یا انگشت و امثال
 - افضل : شاخه سبز است و اکمل چوب درخت اراک است
 - وقت آن قبل از وضو است و مضمه و لی اگر بعد از مضمه شد جایز است
 - وضو کلا مستحب است ولی در برخی مواضع تاکید است
- نام خدای تعالی را بردن :
 - به صورت «بسم الله و بالله»
 - مستحب است گفته شود : «اللهم اجعلنی م نالمطهرین»
 - اقتصار به بسم الله هم جایز است
 - و اگر فراموش کرد هر جا یادش آمد بگوید
 - ولو ترکها عمدا
- شستن دو دست از مچ
 - اگر وضو رافع از بولو و نوم و غائط است نه مطلق حدث مانند ریح
 - قیل : در باره نوم و بول یک مرتبه و برای غائط دو مرتبه
 - قیل : در همه آنها یک مرتبه کافی است
 - و اگر دو سبب داخل شود مثل بول و ریح دو مرتبه باید انجام دهد
 - لکن غسل بهتر است قبل از دست در آب کردن است برای دفع نجاست
 - توهمی !!!!!!!
- مضمه
 - آب گرداندن در دهان
 - مستحب است بر استنشاق مقدم کند

- استنشاق :
- مکش به داخل بینی
- تثلیث اعمال وضو :
- همه افعال مستحبی قبلی را سه بار انجام دهد
- تثنیه الغسلات :
- شستن ها را دو بار انجام دهد بعد از اتمام بار اول
- شیخ صدوق رحمت الله علیه این را انکار کرده است
- دعا کردن در بین تمام اعمالو اجیو مستحبی مستحب است
- مرد شستن دست را از پشت آرنج شرو کند و زن ها از روی آرنج
- خنثی مخیر است بنا بر مشهور

• شک در صحت :

○ شک در اثنا وضو :

▪ شک در نیت ؛

□ منظور از شک در اواسط وضو شک در نیت است مثلاً شخص در حال شستشو دست باشد و یکمرتبه شک کند که آیا من وضو می‌گرفتم یا نه ؟ یا اینکه من وضو را تا اینجا کامل گرفتم آیا نیت کردم یا بنا بر عادت انجام دادم ؟ شکش صادق است و باطل است

▪ شک در اجزای وضو

□ اگر کسی در اثنا وضو در اجزا وضو شک کرد باید آن چه راه مشکوک است اعاده کند و ما بعد آن را مگر آن که عضو یا اعضا قبلی آن خشک شده باشند که به واسطه از بین رفتن موالات وضو را باید اعاده کند

○ شک بعد از وضو

▪ شک در نیت بعد از وضو :

□ به آن اعتنا نکند همانطور که در مابقی افعال نیز اینچنین است

▪ شک در اجزاء :

□ به آن اعتنا نکند

□ حکم این منصوص است و متفق علیه

• شک در اصل وضو :

○ کسی یقین دارد محدث بوده است والان شک دارد وضو گرفته یا نه محدث است و وضو لازم است

▪ اینجا مبنای فتوا را اصالة عدم طهارت میدانند

▪ استاد حمیدیه دام ظلّه علت اینکه در اینجا استصحاب جایی ندارد ؛ این است که ما در استصحاب یک طرف علم داریم و در

شک عارض میشود و لی ر اینجا علم نداریم بلکه عدم داریم ؛ یعنی حدث عدمی است پس نمی توان آنرا استصحاب کرد

▪ این بنا بر این است که طهارت و حدث را عدم و ملکه بگیریم

▪ حال اینکه میتوان اینجا این دو را امران وجودی گرفت زیرا هر دو وجود دارند ؛ حدث و وضو هر دو امری وجودی است

○ کسی که یقین به طهارت دارد و در حدث شک کرده است باید به یقین خود عمل کند

▪ این نیز بنا بر استصحاب است

○ کسی که یقین دارد هم محدث بوده وهم طهارت داشته و نمی داند کدام مقدم بوده است ؛

▪ در حکم شخصی است که محدث است

□ به دلیل اینکه این دو با هم تعارض دارند مگر اینکه با تامل و استفاده از اتحاد حدث و طهارت بفهمد که الان وضو دارد

◆ یعنی بداند هر موقع که محدث میشده همان موقع طهارت می‌گرفته

▪ قول قوی و مشهور همان است که بیان شد و فرقی هم ندارد که علم داشته باشد قبل از این حدث و وضو طهارت داشته یا نه یا شک کند

▪ قیل: اگر حالت قبل از شک را میدانند خلاف آن عمل کند:

□ اگر حالت قبل طهارت بوده پس باید در حکم محدث باشد زیرا او علم دارد که طهارت داشته و علم دارد که بعد از

آن حدش رخ داده است در نتیجه استصحاب کرده و باید دوباره وضو بگیرد

◆ حالات مختلف این فرض:

◇ طهارت / وضو تجدید / محدث (در این صورت وضو لازم دارد)

◇ طهارت / حدث / وضو (در این صورت طهارت دارد ولی منتها چون علم به طهارت و حدث بعدش دارد و

شک دراد که الان طهارت دارد یا نه باید استصحاب کرده و مجدد وضو بگیرد)

□ اگر حالت قبل از شک حدث بوده است:

◆ در این صورت یقین دارد محدث بوده و یقین دراد بعد از آن وضو گرفته است و مجدد محدث شده است ولی

نمیدانند که کدام مقدم بوده است در این صورت طهارت دارد و باید حالت علم خود را استصحاب کند چون

ممکن است دو حدث پشت سرهم بوده باشد

◆ حالات مختلف این فرض:

◇ حدث / حدث / وضو: (که بر مبنای همین حالت حکم بالا صادر شده است)

◇ حدث / وضو / حدث: (در این صورت حکم بالا اشتباه در می آید و اشکال شهید ثانی رحمه الله نیز همین

صورت است که این دو حالت هیچ رجحانی نسبت به هم ندارند و با هم در تعارض اند پس اذا تعارضا

(تساقطا)

□ نعم به بعد

• بحث کسی که میدانند یک حدث داشته و دو طهارت از النضید

○ اقوال ::

▪ مشهور؛

□ باید وضو بگیرد

▪ محقق حلی

□ باید خلاف یقین قبلی عمل کند مثلا میدانند وضو داشته و بعد از آن یک وضو و یک حدث داشته و نمی داند کدام

مقدم است او محدث است و بلعکس طاهر

▪ علامه حلی:

□ استصحاب حالت قبل از وضو و حدث

احكام التخلي

شنبه, ۳۱ شهریور ۱۳۹۷ ۱۷:۱۷

• ستر عورت

○ جلو و عقب از کسی که دیدن عورت توسط او حرم است یعنی همسر

○ ترک استقبال قبله ، و پشت به قبله

• تطهیر ادرار به واسطه دو بار آب ریختن

• تطهر مدفوع به واسطه

○ آب

▪ در صورتی که از حد مخرج تجاوز کرده (یعنی مدفوع مقدرا بیش از حد معمول مخرج را نجس کرده) و به حواشی آن رسیده هر چند که به الیتان نرسیده باشد (ایه نشینمگاه) در این صورت لازم است که با آب تطهیر شود مانند ادرار و از طرفی در جایی که اجازه تطهیر با سنگ است افضل تطهیر با آب است

○ سه سنگ

▪ (در صورتی که تعدی از حد خ.د نکرده باشد)

▪ شرایط سنگ:

□ پاک باشد

□ خشک باشد

□ برطرف کننده نجاست باشد نه مانند سنگ مرمر که لیز است یا خاک که مدفوع را جدا نمی کند یا اشیاء چسبنده

□ بکر باشد یعنی قبلا برای اینکار استفاده نشده باشد

◆ و یا اگر قبلا استفاده شده پاک شده بشد به واسطه شستن و ...

◆ و یا اگر استفاده شده باشد نجس نشده باشد مانند اینکه مخرج با دو سنگ پاک میشود اما او برای تکمیل عدد با سنگ

سوم هم تطهیر میکند ولی سنگ سوم نجس نمی شود علی الظاهر از سنگ سوم میشود استفاده کرد و در حکم باکره

است

▪ احکام:

□ اگر با سه سنگ پاک نشد از تعداد بیشتری استفاده کند

□ از چیز هایی شبیه سنگ نیز میتوان استفاده کرد مانند پارچه گل پخته شده چوب و امثلهای البته مشروط به این که محترم نباشد

مثلا مهر نماز یا نون نباشد

□ از اطلاق نص فهم میشود که باید سه سنگ باشد و یک سنگی که سه جهت دارد کفایت نمی کند البته مصنف در

دیگر کتب خود این را قاطعانه جایز دانسته است و با توجه به روش شهید اول رحمه الله میتوان این را نیز داخل شبهها کرد

به این صورت که ضمیر ها را احجار بر نگردانیم بلکه به ثلاثه احجار برگردانیم

- دوری کردن از مردم طوری که او را نینند همانند سنت نبوی صلوات الله علیه و علی آله الظاهرین
- جمع کردن بین هر دو مطهر و مقدم داشتن سنگ بر آب زیرا؛
 - تنزیه و پاک شدن به نحو کامل و اتم انجام میشود
 - عین نجاست از بین میرود و با آب هم احوانا اگر چیزی بعد از سنگ ها مانده باشد نیز از بین میرود
 - از اطلاق کلام مصنف این فهم میشود که لازم نیست حتما برای درک استحباب سه سنگ استفاده شود همین که عین نجاست را از بین ببرد کافی است
- روبروی قرص خورشید و ماه تخیلی نکند (عورت خود را مقابل آنها قرار ندهد) ولی به جهت آنها مشکلی ندارد
- پشت و رو به جهت باد نباشد در هنگام تخیلی به خاطر اطلاق روایت ولی در دیگر کتب شهید اول رحمه الله فقط در باب ادرار این را بیان فرموده اند
- پوشاندن سر به نحوی که بوی خبیث به مغزش نرسد و در روایت نیز هست که با چیزی مانند عبا به نشانه شرم و حییا نیز سر خود را بپوشاند
- اگر میخواهد در دستشویی تخیلی کند با پای چپ وارد شود و با پای راست خارج شود و اگر در بیان و امثالها است آخرین قدم خود را با پای چپ بگذارد برعکس مسجد
- خواندن ادعیه ماثوره در وقت های دخول، زمان تخیلی، دیدن آب، استنجاء، زمان مسح بطن (شکم) و زمان خروج
- تکیه بر پای چپ بدهد و پای راست را باز کند
- استبراء کند
 - عبارت است از طلب براءت آلت از ادرار
 - شیوه استبراء بالا جتهاد:
 - ابتدا از مقعد تا بیخ آلت رو با کمی فشار سه بار مسح میکند (می کشد)
 - سه بار خو آلت را «نتره» به معنای فشار دادن و کشیدن است برخی آن را جذب معنا کردند
 - سه بار ختنه گاه رو فشار دهد
- در هنگام استبراء سه مرتبه تنحج کند
 - یعنی (أح أح کند)
 - ایشان در کتاب ذکری این مطلب را به جناب سالار دیلمی نسبت داده زیرا خود سند آنرا نیافته است
- با دست چپ استنجاء کند
 - زیرا دست چپ وضع شده برای کارهای پسنه و دست راست وضع شده برای کارهای عالی
 - کراهت دارد که شخصی با دست راست چنین کند که طبق روایت جفا کرده است

• ادرار کردن :

○ ایستاده ادرار کردن

▪ برای بر حذر بودن از بی عقل کردن شیطان

○ ادرار در هوا پخش کردن که این کار مورد نهی واقع شده است

○ ادرار کردن در آب جاری و راکد زیرا در روایت از اینداهل آب (بزیان نهی

شده است)

• مدفوع کردن در :

○ در خیابان مدفوع کردن (در خیابانی که طریق است یعنی مورد استفاده مردم

است)

○ مدفوع کردن در مشرع یعنی اگر بخواهند مردم وارد آب شوند از آن طریق

وارد شوند

○ فناء : منظور جوانب بیرونی منزل و ملک هستند و حریم خارجی ملک حساب

میشود

○ ملعن : جایی که مردم مینشینند و در آن جا جمع میشوند یا راه کوبیده شده است

(به عبارت امروزی راهی که آسفالت شده است یا درب خانه ها

○ زیر درخت مثمره : منظور درختی اتس که شانش ثمر دادن باشد ولو اینکه الان

خشک و یا بی ثمر است و در آینده ثمر میدهد

○ فی النزال : جایی که سایه می اندازد مردم در آن جمع میشوند یا عبور میکنند و

یا می نشینند

○ جِحْرَةٌ : جمع جُحْر است که منزل حشرات است مانند لونه مورچه یا کندو

عسل یا دیگر حشرات که غالباً به صور کُنی زندگی میکنند

• مسواک زدن در حال تخلی:

○ در روایت داریم این کار باعث بد بو شدن دهان میشود

• سخن گفتن مگر ذکر خدای تعالی

• خوردن و آشامیدن

○ چون در این توهین است (علی الظاهر توهین به منعم) ؛ و در خبر نیز از این نهی

شده است

- حکایة الاذان (زمانی که آنرا بشنود)
 - ذکر الله که قبلا مستثنی شده بود همه اذان را شامل نمیشود من جمله حیعات (حی علی الصلوة و حی علی الفلاح و حی علی خیر العمل)
 - قرائ آیه الكرسي :
 - و این چنین است کل حمد و تسبیح و ... که در همه حال خوب است
 - (چه لزومی داشت این را بیان کند وقتی در قبل استشنا زده بود)
- تکلم برای کار ضروری که اگر تاخیر بیاندازد آن امر فوت میشود
- صلوات بر پیامبر و آل ایشان وقتی که نام مبارکشان شنیده میشود اللهم صل علی محمد و آل محمد و عجل فرجهم
- الحمد لله زمانی که عطسه میکند و یا غیر او او عطسه میکند
- قیل : تسمیت (جواب دادن عطسه با یرحمک الله) نیز جایز است
- واجب است جواب سلام دادن هر چند سلام کردن بر او در این حالت مکروه است
 - جواب سلام دادن متخفلی نیز مکروه است در صورتی که پاسخ دادن سلام واجب نباشد و در ورتی که واجب باشد مکروه نیست
- نکته : مراد از جواز در امور بالا این است که یا واجب است یا مستحب و انجام آنها رجحان دارد

الغسل

شنبه, ٣١ شهريور ١٣٩٧ ١٧:١٥

- جنابت
- حیض
- استحاضه کثیره یا متوسطه (عبارت کتاب : پنبه را خون آلود کند) چه سیلان داشته باشد چه نداشته باشد
- نفاس
- مس میت نجس انسان

○ از این حکم : ۱. شهید ۲. معصوم ۳ کسی که سه غسلش کامل انجام شده باشد و اگر چه قبل از موتش غسلش رو انجام داده (اشخاصی که در دادگاه محکوم ب اعدام میشوند قبل از اعدام غسلو حنوط کرده و لنگ و پیراهن را میپوشند و سر تا سری را بعد از مرگ بر تن آنان می پوشانند) البته ایت الله مکارم علی الظاهر فتوی این را مشروط به امر حاکم کرده است (نکته دیگر در اینجا این است که حتما بادی به همان سبب بمیرند تا غسلشان صحیح باشند مثلا اعدامی غسل و حنوط و کفن میکند و او را قبل از اینکه به محل اعدام ببرند سگته میکند و میمیرد ، این غسل کافی نیست باید او را غسل دهند مجدد

○ از قید آدمی میتة حیوانات نیز خارج میشود زیرا اگر چه نجس باشند ولی مس آنها غسل نمی خواهد (البته قیلی هست که ؛ اگر دستش غیر مرطوب هم باشد اگر میتة حیوان را مس کند باید آن عضورا آب بکشد)

• موت :

○ مرگ مسلمان غیر از شهید

• خروج منی در خواب یا بیداری

• غیبویۀ حشفه

○ مخفی شدن سر آلت و هر چه در حکمش است

▪ مراد از آنچه در حکمش است آن است که مثلاً شخصی ختنه گاهش قطع

شده آن مقدار نوک آن مقدار باقی ماند در حکم آن میشود

○ فرقی ندارد که

▪ در جلو دخول داشته باشد یا در عقب

▪ دخول در حیوان داشته باشد یا آدمی

▪ در میت دخول داشته باشد یا در حی

▪ فاعل باشد و یا مفعول

▪ منی خارج شود یا نشود

□ (اگر در نص آیات لفظ غیبویۀ آمده باشد شاید بشود ارتباط جنسی

دهانی را هم داخل در این حکم کرد)

• محرمات :

○ قرات سُور سجده واجب دار (سور علق ، سجده ، نجم و فصلت)

▪ حتی قرائت بعضی از آیاتش و یا بسم الله آنها نیز حرام است

▪ ایستادن در مساجد به صورت مطلق

▪ عبور از مسجد الحرام و مسجد النبی

▪ قراردادن چیزی در مسجد مطلقا

□ اگر چه نیازی به ایستادن و توقف نداشته باشد و یا آن شی را به داخل مسجد پرت کند

□ التبه برداشتن اشیاء از مساجد مشکلی ندارد

▪ لمس:

□ خط قرآن با اجزاء زنده بدنش

◆ منظور کلمات آن است یا حروف مفرده آن و هر چه در مقام آنها است مانند همزه و تشدید

□ اسم پروردگار مهربان جل و اعلی مطلقا (چه اسم ذات باشد و یا چه صفات باشد

□ اسم نبی و یکی از ائمه هدی علیهم السلام و الصلوات و اگر بر دینار و درهم باشد

• مکروهات :

○ خوردن و آشامیدن :

▪ مگر اینکه کراهت ان را با وضو و استنشاق و مضمه قبل از آن برطرف کند

▪ اگر کسی چنین کند (بدون وضو و یا استنشاق و مضمه مشغول خوردن و آشامیدن بشود ترس فقرو بتلا به برص (پسی) در او هست

▪ عاداتا برای هر خوردن و آشامیدن برای رفع کراهت باید این کارها را انجام دهد (مثلا الان وضو گرفت غذا خورد دو

ساعت بعد که میخواهد دوباره غذا بخورد مجددا نیاز به وضو دارد)

○ خوابیدن مگر بعد از وضو

▪ مراد خواب کامل است همان خوابی که باعث بطلان وضو میشود

▪ وضو اینجا نماز را مباح نمی کند زیرا اباحه کنند جنب برای نماز فقط غسل است یا در شرایطی تیم بدل از غسل

○ خضاب :

▪ با حنا و....

▪ همچنین مکروه است شخصی که در حال خضاب است خود را جنب کند (جماع حلال کند)

○ قرائت هفت آیه در زمان جنابت

▪ این که هفت آیه را بخواند مکروه است یا اینکه یکی را هفت بار بخواند و در این بحث است

- عبور از مساجد غیر از مسجد النبی صلی الله علیه وآله وسلم و مسجد الحرام
 - عبور جایز است به این صورت که از دری داخل شود و از در دیگری خارج شود
 - نباید داخل مسجدی شود که یک درب دارد
 - نباید نحوه عورش طوری باشد که دیگر به او عبور کننده نگویند بلکه متوقف گویند

- نیت :
 - قصد اینکه فعل ما متقرب باشد
 - و این را قید کند که مستحب است یا واجب رافع است یا نیست
 - نیت باید مقارن شروع غسل یعنی جزء اول و شستن سرو گردن باشد اگر غسل ترتیبی است
 - اگر غسل ارتماسی است مقارن با ورود اولین جزء به آب باشد
- شستن سرو گردن
 - بین سرو گردن ترتیبی نیست زیرا این دو یک عضو واحد محسوب میشوند
 - کلا ترتیبی در بین اعضای اجزاء قسمت های وضو نیست فرقی ندارد در سمت راست اول پا را بشوری یا سینه را
- شستن سمت راست
- شستن سمت چپ
 - چلازم است از باب مقدمه علمی مقداری بیشتر از حد خود را بشوید
 - عورت تابع جانبین است در هر دو طرف باید شسته شود
- اگر چیزی مانع هست مانند انگشتر یا منو باید تخلیل کند که به حد غسل آب برسد و شسته شود

• استبراء از بول :

- یعنی ادرار کند و با استبراء بالاجتهاد که بعد از ادرار کردن مستحب است متفاوت است
- سپس استبراء بالاجتهاد کند
- برای زنان استبراء از بول نیست زیرا مخرج بول و منی متفاوت است
- استبراء از منی باید به صورت عرضی انجام شود ، به این صورت که مانند وقتی که میوه هایی مانند لیمو و پرتقال را آب میگیرند فرج را به صورتی عرضی فشار دهد تا آب داخل آن خارج شود (جواهر الفخریه)
- شستن دو دست (در برخی کتب از آرنج و در برخی دیگر مطلقو در برخی دیگر از مچ گفته اند)
- مضمه و استنشاق قبل از غسل
- مولاه :

- به گونه ای که هر گاه از شستن عضوی فارغ میشود شستن عضو دیگر را شروع کند
- و این در شستن خود اعضا نیز مستحب است هم به خاطر مسارعه خیر و هم به خاطر حفظ از ایجاد حدث
- البته در برخی موارد که ضیق وقت است مثلا برای جلوگیری از قضا شدن نماز و یا دخول در صبح برای روزه واجب معین و یا برای خانم مستحاضه که ترس دارد که حدث بر او عارض شود این واجب است
- نکته : موالات یعنی آنکه همه اعضا را پشت سرهم بشوید به طوری که اعضا قبل خشک نشده باشد ، اما آنچه که در اینجا عقلا واجب میشود و یا شاید هم شرعا مولالت به معنی پشت سرهم انجام دادن صرف است که با سرعت بالا انجام شود تا نماز و روزه قضا نشود نه اینکه اگر در این شرایط قرار گرفتیم لازمه که حتما عضو قبلی هم خشک نشده باشد
- البته اگر کسی نذر این کار را بر خود واجب کند چون امر راجحی است تبعا واجب میشود
- باز کردن موهای بسته شده :

- آنچه واجب است شستن پوست است نه مو
- در روایت زن مخصوص است ولی مرد ها نیز چنین حکمی دارند
- سه بار شستن همه اعضا بدن
- مستحب است با یک صاع آب غسل کند ، (یعنی خود عمل + مستحبات کلا بشود یک صاع آب) معادل سه لیتر است
- نه باید از این مقدار بیشتر شود و در روایت از نبی مکرم اسلام روحی له الفداء آمده است که سنت من در وضو رفتن یک لیتر آب در غسل کردن سه لیتر آب است

- اگر شخصی بعد از غسل رطوبتی مشتبه دید؛
 - اگر استبراء (بالابول او بالمنی) انجام داده بود اعتنا نکند
 - اگر استبراء نکرده بود (نه بابلبول و نه بالاجتهاد) دوباره غسل کند
 - اگر این رطوبت را بعد از ادرار کردن دید فقط لازم است وضو بگیرد
 - ولی اگر اگر استبراء بالاجتهاد کرده بود بدون استبراء بالابول چنین حکمی ندارد
یعنی باید دوباره غسل کند (مگه داریم؟؟؟؟؟ بدون ادرار کردن طرف استبراء
کنه؟؟؟؟)
- اگر شخص این رطوبت را بعد از غسل کردن و بعد از نماز خواندن دید نمازهای خوانده شده صحیح است زیرا این حدث جدید است و غسل جدید میخواهد
- اگر شخص حس کرد که مایع از جای خودش حرکت کرد و در حال خارج شدن بود و شخص از خروج آن جلوگیری کرد و نماز خواند و سپس خود را رها کرد که بیرون بیاید نمازش صحیح است

- در غسل ارتماسی رعایت ترتیب لازم نیست زیرا تمام بدن یک عضو حساب میشود
- لازم است به صورتی که در عرف گفته شود یکدفعه و یک مرتبه (مرهً) بدنش را در آب کرد بدن خود را در آب کند
- رفتن زیر ناودان یا آبشاری که عرفاً آن را یکدفعه تمام بدن را در داخل آب کردن میدانند نیز کافی است

- اگر در اثناء وضو حدث اصغری از آدم خارج شد تکلیف چیست؟
 - باید غسل جنابت را اعاده کند (مشهور / اقوی عند المصنف)
 - قیل: هیچ اثری مطلقاً ندارد
 - نظر سوم: فقط وضو را واجب میکند
- (اقا + ایت الله مکارم) البته اگر بخواهند با آن نماز بخوانند نه اینکه فی نفسه واجب است وضو بگیرند
- شهید ثانی نیز همین قول را به صواب نزدیکتر میبینند و میفرمایند در رساله ای جداگانه به تحقیق آن پرداخته ایم
- البته ایشان میفرمایند قطعاً در مابقی اغسال غسل به همراه وضو بعد کفایت میکند قطعاً البته برخی از فقها هم بوده اند که این غسل را نیز کافی نمی دانسته اند که قولشان واقعاً ضعیف است

خون حیض غذای جنین است؟؟؟ مگه این خون ناشی از فرورختگی دیوار رحم نیست؟؟؟ (مکارم النضید)

- آیت الله مکارم :

- فرقی بین زنان قریشی و غیره قائل نیستند
- اگر زنان بعد از گذشتن از سن ۵۰ سالگی که یائسه میشوند خونی ببند که تمامی شرایط حیض را داشته باشد حیض است
- آیت الله سیستانی: غیره سیده ها بین ۵۰ تا ۶۰ بین تروک حائض و مستحاضه جمع کند
- زمان را از انتهای ۹ سال میدانند و انتها ان را یائسگی میدانند نه پنجاه سالگی
- دختری که نمی‌داند نه سالش تمام شده یا نه، اگر خونی ببیند که نشانه‌های حیض را نداشته باشد، حیض نیست و اگر نشانه‌ها را داشته باشد و اطمینان حاصل کند که حیض است، دلیل بر این است که نه سالش تمام و بالغ شده است، ولی زنی که شك دارد یائسه شده یا نه، هرگاه خونی ببیند و نداند حیض است یا نه، باید بنا بگذارد که حیض است و هنوز یائسه نشده است.

- بعد از اتمام نه سالگی باشد

- قبل از

- شصت سال (قریشی ها)

- قریش اعم از بنی هاشم علیهم السلام است
- این لطفی در باب ایشان است زیرا احکام استحاضه بسیار دشوار تر است از احکام حیض
- قریشی بودن یک نوع اعجاز در نحوه بدن های ایشان نیست بلکه همان لطفی است که بیان شد
- قریشی بودن را نمی توان نسبت به منطقه گفت مثلا اگر گفته شود چون آن منطقه گرمسیری بوده اگر به گرمسیری بودن است آفدینا بر آن آولی است
- جد پدری و نسب پدری مهم است
- برخی نبطی ها را نیز در همین حکم دانستند ولی این شهره است نه مستند
- نبطی ها در سزمین بین عراقین بصره و کوفه زندگی میکردند را گفتند
- اصل بر عدم انتساب بر قریش است تا اینکه دلیلی بر سیادت یا قریشی بودن یافت شود
- پنجاه سال (غیر قریشی ها)

- نکته حیض عبارت است از خونی که به علت تخریب دیواره های رحم از مجری زنان خارج

میشود استحاضه و نفاس هم همان است و در پزشکی فرقی بین اینها قائل نیستند

• اقل :

○ کمتری روز آن سه روز است

• اکثر :

○ بیشترین آن ده روز است

• فقط در همین ایام است بین سه تا ده نه کمتر و نه بیشتر

• آیت الله مکارم :

○ - سه روز اول حیض باید پشت سر هم باشد، بنابراین اگر مثلاً دو روز خون ببیند و يك روز پاك شود و دوباره ببیند، حیض نیست و اینکه می‌گوییم باید پشت سر هم باشد، معنایش این نیست که در تمام سه روز خون بیرون آید، بلکه اگر در فضای داخل فرج خون باشد کافی است. ایت الله اقا مجتبی هم همین فتوی را داشتند

• آیت الله مکارم :

○ کمی سوزش را قید میزنند

• اسود یا احمر است

• گرم است

• شدت وقوه دارد موقع خروج غالبا

○ قید غالبا برای همه آنها است

○ زیرا ممکن است شخصی سه روز خون ببیند با ویژگی های فوق و روز چهارم هی ضعیف و

کمتر بشود مثلا تا نه روز همه آن ایام حیض بوده است (ما ممکن کونه حیضا)

○ اگر یک زنی ۱۲ روز خون ببیند و اگر هفت روز آن خون قوی بوده و ۵ روز دیگر ضعیف

بوده ۷ روز اول حیض و ۵ روز دوم استحاضه است

○ اگر یک زنی ۴ روز خون قوی ببیند و ۳ رزو دیگر خون ضعیف ببیند همه این مدت حیض

بوده چون کمتر از ۱۰ روز بوده است

- اگر بتوانیم با توجه به موارد زید حکم به حیض میکنیم :
 - حال خانم ؛ که از نه سال بزرگتر و باشد و یائسه نباشد
 - مدت زمان خروج ؛ که از سه روز کمتر و از ده روز بیشتر نباشد
 - حیض او دوام داشته باشد (این سه روز پی در پی باشند)
 - صفات خون حیض که بیان شد را دارار باشد مانند قوت و رنگ و شدت و...
 - محل خروج خون ، که از جوانب مجری باشد البته اگر به این قائل باشیم
 - و....
- نکته برخی از مطالب بالا منوط به استقرار حکم است یعنی تا آن مطلب استقرار پیدا نکرد ما نمی توانیم حکم به حیض بکنیم
- به طور مثال خانمی که پنج روز خون قوی مبینید و دوام و نشانه های حیض را دارد در این ایام حائض است ، اما اگر از روز ششم خون ضعیف شد دیگر حکم حیض از آن به بعد بار نمی شود تا استقرار پیدا کند به این صورت که اگر تا قبل از روز دهم قطع شد تمام ایام حائض بوده و اگر قطع نشد از همان زمانی که خون ضعیف شده خانم مستحاضه بوده و به این ایام ایام استظهار گفته میشود که معلوم نیست خانم حائض است یا مستحاضه یا مانند ابتدا خون دیدن خانم ، که اگر از سه روز گذشت حیض است البته به آن ایام ایام استظهار گفته نمی شه طبق بیان استاد حمیدیه دام عزه

• اگر خانمی بیش از ده روز خون ببیند این مشکل با سه راه ذیل حل میشود ؟

○ مراجعه به عادت ؟

■ ما سه نوع عادت داریم ؟

□ عادت عددیه ؟

◆ اینکه خانم در ایام حیض اول شش روز حائض بوده است در دوره بعدی نیز شش روز حائض بوده است ، اینکه ایشان در دو دوره مرتب پشت سر هم به یک اندازه طول کشیده است یعنی ایشان عادت عددیه پیدا کرده اند

◆ عادت عددیه با دو بار بهم خوردن مدت زمان دوره بهم میخورد

◇ اگر خانمی دو دوره شش روزه داشته و دوره سوم هفت روزه بوده و دوره چهارم نیز شش روزه بوده ایشان همچنان عادت عددی دارند

◇ حتی در زمانی که دوره عادت در مرتبه سوم با دو مرتبه قبل متفاوت بود و در عادت چهارم برای تشخیص حیض و استحاضه به مشکل برخوردیم نیز میتوانیم برای حل آن به این مورد رجوع کنیم

◇ مثلاً خانمی دو ماه پی در پی ۶ روزه حائض شده است ، در ماه سوم هشت روزه و در ماه چهارم ۱۲ روز خون می بیند ما به شش روز اول حکم حیض و به شش روز دوم حکم استحاضه میکنیم البته بر مبنای شهیدین علیهما الرحمه

□ عادت وقتیه و عددیه با هم :

◆ به دو صورت است ؟

◇ خانمی در دو ماه پیاپی از اول ماه تا هفتم ماه خون می بیند

▶ اینجا نیز با دو ماه پی در پی این عادت بهم میخورد

▶ اینجا نیز مانند بالا عمل میکنیم

◇ خانمی مدت زمان بین عادت اول او تا عادت دوم و فاصله بین عادت دوم و سوم باهم برابر است این نیز وقتیه است البته این را استاد بیان فرمودن و در کتاب موجود نبود ، علی الظاهر این بهرت به عادت وقتیه میخورد زیرا ماه قمری گاهی بیست و نه روزه است و گاهی سی روزه و از این جهت بهم میخورد

□ عادت وقتیه فقط ؟

◆ یعنی خانم دو ماه پی در پی در یک روز از ماه حائض میشود ولی در یک هفت روز و در دیگری هشت روز میبیند تنها فایده این عادت این است که از ابتدای دیدن خون خانم حائض است

■ تفاوت این دو نوع عادت :

□ در نوع اول اختلاف است ؟

◆ برخی قائلند که این خانم در حکم مضطربه است و باید صبر کند تا سه روز پی در پی خون ببیند

◆ برخی (جناب شهید ثانی رحمه الله) این قول که از نظرشان اقوی است را قبول دارند که خیر در عادت عددیه نیز خانم به محض دیدن خون حائض است

□ در نوع دوم : همه فقها حکم حیض رو از ابتدای خون دیدن خانم بار میکنند

○ به واسطه تمیز دادن خون

■ شروط:

□ مدت زمان قلّه و کثره خون حیض را رعایت کند مثلاً شخصی که دو روز خون با صفات حیض میبیند و سپس ده روز خون ضعیف میبیند نمی تواند از این قاعده استفاده کند

□ مدتی که از خون پاک میشود و خون ضعیف میبیند جمعا از کمترین مدت پاکی بین دو حیض یعنی ده روز کمتر باشد

◆ مثلاً شخصی ابتدا ۵ روز خون قوی ببیند و سپس دو روز پاک باشد و سپس ۴ روز خون ضعیف ببند و سپس ۳ روز ایام نقاء باشد (پاکی) و مجرر خون قوی ببیند چون فاصله بین دو خون قوی کتر از ده روز

• آیت الله مکارم :

مسأله ۴۶۴- زنی که «عادت وقتیه و عددیه» دارد، اگر در وقت عادت خون ببیند ولی شماره روزهای آن کمتر یا بیشتر از ایام عادت باشد قبل از وقت عادت، یا بعد از آن به شماره روزهای عادت خون ببیند، فقط خونی را که در وقت عادت دیده حیض قرار می‌دهد

■ دو خونی که زنی که دارای عادت وقتیه و

عددیه است چه از ده روز تجاوز کند و چه

تجاوز نکند کهیکی مطابق عادت است و

دیگری مطابق وقت عادت او است وقت مقدم

است یعنی آنچه مطابق وقت است حیض است و

ما بقی حیض است

■ مثلاً زنی عادت وقتیه او اول ماه است و عادت

عددیه او ۴ روز است و او از ۲۴ تا ۲۸ خون

میبیند و سپس از اول تا چهارم خون ببند ما قبل

استحاضه است و از اول تا چهارم حیض است

■ آیت الله بهجت در زنی که عادت وقتیه و عددیه

دارد و از ده روز میگذرد فقط ایام عادت وقتیه

را عادت قرار میدهد و مابقی را استحاضه قرار

دهد

○ مسأله ۴۳۵- هرگاه سه روز پشت سر هم خون ببیند و پاک شود چنانچه دوباره خون ببیند و ایامی که خون دیده روی هم رفته از ده روز بیشتر نشود، تمام روزهایی را که خون دیده حائض است، ولی روزهایی که در وسط پاک بوده، حکم زنان پاک را دارد. (آیت الله شیری هم

همین را قبول دارند از بحث طهارت در ایام نقاء/ ایت

الله سیستانی : در ایام نقاء جمع اعمالی که به زن پاک

واجب است انجام دهد و تروک حائض را ترک

کند)

○ ایشان فقط از روایات روایت هفت روز را قبول دارند

بوده است که اقل ایام طهر است نمی تواند با این قاعده به خون قوی حکم حیض و به ضعیف حکم استحاضه کند

■ نکات:

□ مراد از خون قوی خونی است که سه شرط داشته باشد :

◆ رنگ : سیاه از سرخ قوی تر است

سرخ از اشقر (خون میان سرخ و زرد) قوی تر است

اشقر از زرد قوی تر است

زرد از اُکُدر (بین زرد و سفید) قوی تر است

◆ بو : خون بد بود از خون بی بو قوی تر است

خون بی بو از خونی که بو داره قوی تره (البته این سلیقه ای هست همیشه به عنوان معیار قرار

داد من دیدم افرادی رو که از بوها بد خوششون میاد البته بوی بد از منظر من)

◆ قوام : خون غلیظ قوی تر از خون رقیق است

◆ نکته : خونی که هر سه ملاک را دارد قوی تر از خونی است که دو ملاک را دارد و آنی که دو تا

را دارد از خونی که یک دانه دارد قوی تر است

□ یعنی خانم مثلا پنج روز خون قوی ببند و هفت روز خون ضعیف در اولی حائض است و در مدت خون

ضعیف استحاض دارد

□ خب این مطلب مشخص نمی شود مگر اینک از ده روز تجاوز کند زیرا اگر خانمی هر دو نوع خون را ببیند

در آن مدت کمتر از ده روز حائض است در این مدت که خون ضعیف میند و نمی داند از ده روز تجاوز

میکند یا نه که به آن ایام استظهار میگویند فقها احکام مختلفی دارند

□ نکته ؛ اگر خانمی ابتدا خونی ببیند که فقط یک صفت دارد ؛ (یک صفت قوت) ؛ مثلا خون سیاه ببیند در ۶

روز اول از ۱۲ روز ، ۶ روز دوم خونی میند که فقط بسیار بد بو است نمی تواند از ذات تمیز استفاده کند

□ نکته مبتدا که در آینده تعریف آن می آید نیز اگر شرایط استفاده از ذات تمیز را داشت می تواند از آن

استفاده کند

○ رجوع الی عادة اهلها / اقرانها :

■ تعاریف مورد نیاز ؛

□ تعریف اول (اشهر / شهیدین)؛

◆ مبتداء:

◆ مبتداء رساله : کسی که برای اولین بار خون حیض مبیند

◆ مضطر به رساله : کسی که عادت ندارد

▶ یعنی نشده است که دو دو دوره عادت ، پشت سر هم مرتب به یک اندازه هستند ؛ یا نشده که

مدت پاکی او از حیض در دوماه متوالی یکسان باشد

◆ مضطر به :

◆ ناسیه رساله : کسی که عادت دارد ولی فراموش کرده است

□ تعریف دوم :

◆ مبتدئه :

◆ دختری که برای اولین بار خون مبیند

◆ مضطر به :

◆ مضطر به رساله : کسی که عادت ندارد

◆ ناسیه رساله : کسی که عادت دارد ولی فراموش کرده است

■ مزیت تعاریف اولی نسبت به دومی این است که در اولی مضطر به رساله نیز میتواند به عادت اهل و اقران نیز رجوع

کند

■ روش مورد استفاده ؛

□ خانم در ابتدا به عادت اهل خود که عبارتند از ؛ مادر ، خواهر ، عمه ، خاله و دخترانشان رجوع میکند

(مشروط به اینکه در یک شهر بوده باشند) اگر هیچ اختلافی نبود یعنی همه آنها بدون استثنا مثلا ۶ روزه

- حائض میشدند او نیز تا روز ششم حیض است و مابقی مستحاضه
- اگر در عادت اهلش اختلاف بود ولو اینکه تعدادی بر تعداد دیگر غلبه داشت باید رجوع کند به عادت اقران خودش یعنی هم سن و سال های خودش ، که آنها در چه مدتی حائض هستند ؟
 - البته در کتاب ذکری بیان شده که میتواند به عادت اکثر رجوع کند مثلا اهل او ۱۵ نفرند و ۱۰ نفر هرزوه عادت اند و مابقی ۶ روزه برای همین او ۵ روز حائض است
 - اگر این ممکن نبود مثلا شخص اهلو اقران نداشت میرود سراغ راه حل بعدی

○ اخذ بروایه :

▪ دستور روایات :

- یکی درمیان یکی ۳ و یکی ۱۰ روز
- ◆ مخیر است که کدوم رو اول اختیار کند
- ◆ مستحب است برای افرادی که مزاج متوسط دارند
- هفت روز هفت روز
- ◆ مستحب است برای افرادی که مزاج گرم دارند
- شش رزو شش روز
- ◆ مستحب است برای افرادی که مزاج سرد دارند

▪ نحوه اتخاذ :

- او مخیر است که از بین آن ایامی که خون می بیند که بیش از ده روز است که دقیقا از کدام روز حیض را شروع کند !!! و شوهر او نیز نمی تواند اعتراض کند
- بهتر است از اول ایام را حیض بگیرد
- اما در ماه اول هر کدام از روایات را انتخاب کرد و در هر زمان از آن عادت خود را برای حیض انتخاب کرد تا انتها باید با همین فرمان برود
- این مطالب برای کسی بود که عادت و قتیّه و عددیه را کلا فراموش کرده بود
- اما اگر کسی :

- ◆ عادت عددیه داشت ولی وقت آنرا فراموش کرده بود ؛
- ◇ مانند خانمی که ۱۲ روز خون میبیند و میدانند ۸ روز عدد عادت عددیه اوست در اینصورت او اخذ بروایت میکند
- ◆ عادت وقتیّه داشت یعنی هر ماه از فلان روز خون میدید ؛
- ◇ مانند خانمی که ۱۲ روز خون میبیند و میدانند که سوم ماه همیشه اولین روز حیض بوده است
- ◇ در زمان اخذ بروایت باید آن روایت را از سوم ماه شروع کند
- ◆ عادت وقتیّه داشته باشد از تنها :
- ◇ باید وقتی اخذ بروایت میکند آخرین روزی که اختیار میکند روز عادت وقتیّه باشد
- ◆ عادت وقتیّه دقیق در وسط دارد ؛
- ◇ فقط از روایت هفت روز هفت روز میتوان استفاده کرد زیرا این عدد وسط دارد
- ◇ علت اینکه از ۳ استفاده نمی کنیم با توجه به این که ۳ وس دارد ولی ماه بعد باید ۱۰ روز را بگیرد که آن وسط ندارد پس عملا منتفی است
- ◇ به این صورت باید عمل کند که ابتدا آن روز وسط و دو روز کناریش را بگیرد و سپس فرقی ندارد هر چهار روز را یک طرف بیاندازد یک سه تاش رو یکطرف و یکی دیگر از طرف دیگر و یا بلعکس
- ◆ عادت وقتیّه که دو روز در وسط است ؛
- ◇ فقط روایت شش روز شش روط را بگیرد
- ◆ و اگر زنی یک روزی را رو یادش بود که مثلا همیشه هر ماه این روز من حائض هستم ، یکی از روایت ها رو اخذ کند و بن طرف و آنطرفش رو پر کنه

عادت وقتیّه	عادت عددیه	حکم
-------------	------------	-----

ندارد	ندارد	اخذ بروایت میکند مطلقاً
ندارد	دارد	اخذ بروایت میکند مطلقاً
از طرف ابتدا دارد	ندارد	با مراعات تاریخ شروع اخذ بروایت میکند
از طرف انتها دارد	ندارد	با مراعات انتها اخذ بروایت میکند
از طرف وسط (دقیق) دارد	ندارد	با مراعات وسط فقط میتواند از روایت هفت روز استفاده کند
دارد (۲روز از وسط)	ندارد	با مراعات دو روز وسط ، فقط از روایت شش روز شش روز استفاده میکنه

□ نکته: در ایام استظهار؛ لازم نیست شخص احتیاط بکند و هم اعمای مستحاضه را انجام دهد و هم محرمان حائض را

• صلاة

• صوم

- التبه باید بعد از عادت آن را قضا کند
- علت این حکم نص است نه مشقت این عمل

• طواف ؛

- هر چند که طهارت در آن شرط نیست
- به علت اینکه بر او دخول در مسجد به طور مطلق حرام شده است در مسجد الحرام

• مس نوشته های قرآن

- اسم الله و اسماء انبیاء و ائمه علیه مالسلام نیز در همین حکم اند
- حمل قرآن ولو با قلاف و امثاله باشد که مستقیم نباشد نیز مکروه است
- لیس بین نوشته ها و هاشیه ها نیز مکروه است مانند شخص جنب

• توقف در مساجد

- غیر از مسجد الحرام که کلا دخول حرام است

• قرار دادن چیزی در مسجد ؛

• قرائت سور عزائم و لو بضی از آیات انرا

• طلاق دادن زدن در این ایام حرام است

○ شروط ؛

▪ حضور زوج و حکمه

- مثلا اگر شخصی نامه داده باشد که من در فلان روز که در خارج ا کشور بودم زنم رو طلاق دادم

میشود غیر حضوری و حکمی که در این صورت حرام نیست

▪ نزدیکی داشته باشند از قبل

▪ حامله نباشد

- که اگر حامله باشد در ایام حیض ه میتوان انرا طلاق داد

- هرچند که بعید است که یک زن در زمان حامگی حائض شود

• جماع از جلو کردن

○ عامل و عامدا

○ کفاره لازم دارد احتیاطا

○ وجوبی نیست

○ مقدار کفاره

▪ در ثلث اول عادت : یک دینار است ،

- یک مثقال طلای خالص است (طلای ۱۸ عیار تهران هم قبول است لازم نیست حتما طلای ۲۲ عیار

شهر دیگه ای را گرفته باشد

▪ ثلث دوم ؛ نصف آن مقدار فوق

▪ ثلث سوم : ربع آن مقدار را بدهد

• آیت الله مکارم :

○ نماز میت مانعی ندارد

○ وطی رو به وصرت مطلق فرمودن

○ کفاره نزدیکی در حیض را

مستحب میدانند

○ اگر کسی قادر به کفاره نبود

مستحب است صدقه دهد و اگر

آن هم مقدور نبود استغفار کند

○ به قول زن در باره عادت بودن و

یا پاک بودن باید اعتنا کرد مگر

اینکه مورد سوطن باشد

○

- قرائت قرآن بیش از هفت آیه غیر از سُورَ عَزَائِم
- استمتاع به غیر از جلوِ یَعینِ بینِ ناف تا زانو
- اعانت در استمتاع به غیر از قُبُلِ مَکَرِ این که شوهر طلب کند
- شهید ثانی؛ از عبارت فهم میشود که کلا استمتاع هم مکروه است یعنی غیر از ناف تا زانو
- خضاب به واسطه حنا (استاد زیرا ممکن است علت ای باشد که چون در زمان قدیم
ین فقط وسیله ارایش بوده ما الان حکم به کراهت خضاب کنیم

- اینکه زن در زمان حیض در زمان اذان در محل عبادتش / محل عبادت در منزل ، بنشیند با وضو که غیر مبیح لصلوة است مشغول ذکر خدا شود
- مرحوم مجتهدی طهرانی ؛ چنین زنی دید سلام منو هس برسونید
- شاید علت این دستور بقا بر تمرین بر نماز باشد

- کسی که عادت دارد به محض رویت خون عبادات رو ترک میکند
- غیر از افراد بالا یعنی مبتدء و مضطربه بعد از سه روز عبادت را ترک کنند
- اقوی: به محض رویت خون ترک شود مخصوصا اگر طن داشته باشد که حیض ست

• آیت الله مکارم:

- زنی که در مدت کمتر از ده روز خون می بیند
یعنی مثلا ۵ روز خون میبندد و دیگر خون نمی بیند
و اگر چه بداند در باطن خون است باید غسل کند
و نماز گذارد

• از ظهور گیری کراهت این عمل بعد اطهارة ئ قبل از غسل بدست می آید

○ برخلاف شیخ صدوق رحمه اله که حرام میدانستند

○ اخبار مختلف اسناد این دو قل هستند که طریق جمع بین آنها حکم به کراهت است

• ایت الله مکارم :

○ احتیاط مستحب است تا صبر کند و بعد از غسل

نزدیکی کند

○ طلاق نیاز به غسل ندارد و فقط طهر کافی است

○ ولی تا غسل نکند دیگر محرمات بر او حلال نمی شود

• آیت الله مکارم :

• باید قضا کند

- مسأله ۴۵۲- هرگاه زن در اول وقت به اندازه انجام واجبات يك نماز پاك باشد و نماز نخواند و حائض شود، آن نماز را باید بعداً قضا کند و در اندازه «وقت برای انجام واجبات» باید ملاحظه حال خود را نماید، مثلاً برای مسافر به اندازه دو رکعت و برای حاضر، به اندازه چهار رکعت و کسی که وضو ندارد، وقت وضو را نیز باید در نظر بگیرد و همچنین تطهیر لباس و بدن و اگر فقط به اندازه خود نماز وقت داشته باشد احتیاطاً، قضا کردن نماز است.
- معظم له در بابا انتها حیض با شهید رحمه الله هم نظر اند

- نمازی را که وارد وقت شود و مدتی از آن وقت نیز بگذرد که به اندازه عرفی آن نماز بوده باشد
- یک رکعت از آنرا داخل در وقت نماز قرار گرفته شده باشد (مثلاً شخصی ۵ روز حائض است و روز ششم ده دقیقه به غروب مانده پاک میشود و در ده دقیقه وقت است تا شخص غسل کند و حداقل به یک رکعت از نماز ظهرو عصر برسد باید قضا کند
- البته نکته در این جا است که شخص عملاً در وقت خاص نماز عصر پاک شده است در نتیجه باید فقط نماز عصر ار قضا کند علی الظاهر

• خونی هست که ؛

○ از رحم خارج میشود (قیلی هم هست که مجری آن از خون حیض جداست (مرحوم وجدانی ، ولی علی الظاهر این نمی تواند درست باشد زیرا اگر درست بود در جایی که تجاوز از عشره داشت دیگر لازم نبود برای تشخیص بین خون حیض و استحاضه به راه های چهار گانه رجوع کنیم ؛)

■ خونی که از ده روز گذشته باشد (حیضی که از ده روز گذشته باشد) به صورت مطلق (یعنی چه عادت داشته باشد چه نداشته باشد چه خون ذات تمیز باشد و چه نباشد و

□ اگر خانمی عادت دارد که تا آن مدت که عادت او است حیض میگیرد و مابقی را (در صورت تجاوز از عشره) استحاضه میگیرد که به صورت مفصل در بحث حیض آمد

■ خونی که خانمی که یائسه شده است می بیند ؛

□ خانمی قرشی و نبطی که شصت سال از عمر او میگذرد

□ خانمی معمولی که پنجاه سال از عمر او میگذرد و همه این خون ها

استحاضه هستند

■ خون بعد از نفاس ؛

□ اگر از ده روز بگذرد

□ اگر بعد از ایام عادتش باشد در صورتی که از ده روز تجاوز کند

□ در صورتی که در وسط آن ایام نقاء به اندازه ایام اقل طهر نباشد

◆ (مثلا خانمی ۵ روز بعد از زایمان خون می بیند که در این

صورت نفاس است ؛ و ۷ روز از خون پاک است ؛ و مجدد

خون می بیند این خون دوم استحاضه است حال اگر بجای آن
هفت روز یازده روز نقاء بود آن دیگر حیض است

◆ اگر خانمی بعد از زایمان ۶ رزو خون ببیند و سپس از روز ۹ تا

۱۲ مجدد خون ببیند ایام ۶ روز اول نفساء و در ایام دوم

مستحاضه است

□ مرحوم وجدانی؛ اگر یک خانمی ده ورز خون نفاس ببیند و سپس ده

روز خون نبیند و سپس خون از روز ۲۱ ماه که مصادف است با بیستو

یکمین روز ولاده و مصادف است با عادت وقیته او این خون دوم

حیض است نه استحاضه

◆ یا اینکه در آن خون نفاس و استحاضه با او صافشان بتواند از

تمیز استفاده کند

• زرد است

• سرد است

• رقیق است

• جهنده نیست

• خروجش با سنگینی و ستسی همراه است

• دفع ندارد (جهش ندارد) غالباً

○ علت قید غالباً این بوده که اگر زمانی خونی آمد که این صفت را نداشت ولی طوری بود که

ما میتوانستیم به آن استحاضه بگوییم بگوییم

■ مثلاً شخصی ۱۲ روز خون می بیند که ۶ روز آن حیض و ۶ روز دیگر استحاضه است و

از ذات تمیز فرق این دو را میفهمند و میبند که به یکباره از روط ۱۲ تا ۱۵ خون غلیظ یا

قوی با صفات حیض آمد درست است که در این جا خون صفات حیض را دارد ولی

استحاضه است زیار اقل ایام ظهر ۱۰ روز است بلی اگر شخصی ۲۵ روز خون میدید ۹

روز اول خون حیض و ۱۱ روز خون ضعیف و سپس خون قوی این شخص از روز ۲۱

حائض بوده است

• آیت الله مکارم:

○ مسأله ۴۰۴- استحاضه فقط دو قسم است:

«قلیله» و «کثیره»: استحاضه قلیله آن

است که هرگاه زن پنبه‌ای را داخل کند،

خون، آن را آلوده نماید ولی از طرف

دیگر خارج نشود، خواه خون در پنبه

فرو رود یا نه، و استحاضه کثیره آن

است که خون، در پنبه فرو رود و از آن

بگذرد و جاری شود.

■ بقیه متوسطه را نیز قائل میشوند

• آیت الله مکارم :

• قلیله :

○ تعریف: تمام پنبه که داخل مجرا قرار داده میشود را آغشته نمی کند

○ حکم:

■ برای هر نماز؛

□ وضو میگیرد

□ پنبه را عوض میکند

◆ زیرا این خون که از محدثات است معفو نیست چه اندازه درهم بغلی باشد چه

نباشد

□ ظاهر فرج را هم تطهیر میکند وقتی که بر روی دوپای خود میشیند

□ علت اینکه شهید اول این مطلب را بیان نکرده است این است که شرط طهارت بدن

و لباس را از نجاسات بیان کرده است و اینجا دیگر تکرار نکرده است

• متوسطه

○ تعریف: تمام پنبه را آغشته میکند ولی سیلان پیدا نمی کند

○ حکم:

■ برای هر نماز؛

□ وضو میگیرد

□ پنبه را عوض میکند

◆ زیرا این خون که از محدثات است معفو نیست چه اندازه درهم بغلی باشد چه

نباشد

□ ظاهر فرج را هم تطهیر میکند وقتی که بر روی دوپای خود میشیند

□ برای نماز صبح فقط غسل میکند و اگر قصد او روزه گرفتن است قبل از اذان صبح

اینکار را بکند سریع نماز را بخواند بعد از دخول وقت و همان کفایت میکند

□ اگر در اثنای روز از قلیله به متوسطه تبدیل شد دیگر لازم نیست در آن روز غسل

کند همان که برای هر نماز وضو بگیرد کافی است

• کثیره :

○ تعریف: تمام پنبه را آغشته کرده و سیلان هم پیدا میکند به خرقة (پارچه ای که پشت آن

گذاشته میشود)

○ حکم:

■ برای هر نماز؛

□ وضو میگیرد

□ پنبه را عوض میکند

◆ زیرا این خون که از محدثات است معفو نیست چه اندازه درهم بغلی باشد چه

نباشد

□ ظاهر فرج را هم تطهیر میکند وقتی که بر روی دوپای خود میشیند

□ اگر در اثنای روز از قلیله به کثیره تبدیل شد دیگر لازم نیست در آن روز غسل

○ مسأله ۴۰۵- در استحاضه قلیله باید

زن برای هر نماز يك وضو بگیرد

(بنابر احتیاط واجب) و واجب است

از سرایت خون به سایر اعضا

جلوگیری کند، اما عوض کردن پنبه و

دستمال واجب نیست، هر چند احتیاط

است. و در استحاضه کثیره واجب

است سه غسل انجام دهد: يك غسل

برای نماز صبح و دیگر برای نماز

ظهر و عصر و سوم برای مغرب و

عشا و باید میان این نمازها جمع کند

و احتیاط مستحب آن است که علاوه

بر این، برای هر نماز يك وضو

بگیرد، قبل از غسل یا بعد از آن.

■ ایت الله سیستانی هم همین نظر را

دارند حدودا

○ مسأله ۴۰۶- هرگاه قبل از داخل شدن

وقت نماز وضو یا غسل را انجام داده

باشد باید در موقع نماز بنابر احتیاط

واجب، آن را اعاده کند.

○ مسأله ۴۰۹- در استحاضه «کثیره» یا

«قلیله» اگر قبل از اذان صبح برای

نماز شب غسل کند یا وضو به جا

آورد و نماز شب را بخواند احتیاط

واجب آن است که بعد از داخل شدن

صبح، دو مرتبه غسل و وضو را

انجام دهد.

○ مسأله ۴۱۱- زن مستحاضه بعد از

آنکه خونش قطع شد، فقط برای اولین

نماز باید کارهای استحاضه را انجام

دهد.

○ مسأله ۴۱۲- هرگاه نداند استحاضه او

قلیله است یا کثیره، بنابر احتیاط

واجب باید قبل از نماز، خود را

وارسی کند و اگر نمیتواند خود را

وارسی کند، احتیاط آن است که هم

وظیفه استحاضه کثیره را انجام دهد و

هم قلیله، اما اگر حالت سابق او معلوم

است کثیره یا قلیله بوده میتواند به

وظیفه همان ادامه دهد.

○ مسأله ۴۱۸- زن مستحاضه باید روزه

ماه رمضان را بگیرد و در صورتی

روزه او صحیح است که غسل نماز

مغرب و عشا شبی که می خواهد

فردای آن را روزه بگیرد به جا آورد

و همچنین غسلهای روزی را که

روزه است (بنابر احتیاط واجب).

○ مسأله ۴۲۰- اگر در بین نماز،

استحاضه قلیله آید، کند ه شده د باند

- ظاهر فرج را هم تطهیر میکنند وقتی که بر روی دوپای خود میشینند
- برای نمازهای صبح / ظهر و عصر / مغربو عشا هر وعده هر کدام یک غسل میخواهد

◆ اگر میخواهد روزه بگیرد برای صبح را قبل از اذان بگیرد و آن از غسل برای نماز صبح کفایت میکند

روزه است (بنابر احتیاط واجب).

مسأله ۴۲۰- اگر در بین نماز،

استحاضه قلیله زن، کثیره شود باید

نماز را رها کند و غسل نماید و از نو

بخواند و در صورتی که برای غسل

وقت ندارد تیمم کند، ولی اگر برای

تیمم هم وقت ندارد باید همان نماز را

تمام کرده و بنابر احتیاط واجب قضا

نماید.

○ مسأله ۴۲۲- مستحاضه کثیره، هرگاه

غسلهای روزانه خود را انجام دهد

برای اعمال دیگر مانند طواف و نماز

قضا و نماز آیات و نماز شب، غسل

دیگری بر او واجب نیست تنها باید

وضو بگیرد.

• استاد: مهم است ه ما رابطه بین قلسع و

متوسطه و کثیره را تباین در نظر بگیریم یا عمو

و خصوص من وجه

○ اگر تباین:

▪ یعنی دو عمل داگانه هستند در نتیجه

وقتی شك کنیم که کثیره است یا

قليله، چون قلیله بر ما ثابت شده

است و نمی دانیم که کثیره است یا

نه که اعمال آنها انجام دهیم اصل

برائت را جاری میکنند

○ اگر عموم و خصوص است

▪ اصل احتیاط را جاری میکنند

• مکارم / سیستانی / صافی / مجتبی:

○ اگر کثیره قلیله شود برای اولین نماز غسل

کرده است و ما بقی نماز هارا وضو

میگیرد و یا بنا به فتوا غیر از آقای مکارم

اگر متوسطه شده است همان عمال انجام

دهد ...

• منظور خون ولادت هست ؟

○ همراه ولادت

- یعنی به محض خروج اولین جزء بچه په منفصل باشد و چه منفصل نباشد (مثلا جنین در حین خروج تکه تکه شود که علی الظاهر امکان وقوعی ندارد) از آن به بعد خونی که خارج میشود خون نفاس است
- مهم نیست که خلقت بچه کامل شده باشد یا نشده باشد مثلا به صورت مضغه خارج بشه به طوری که مادر بفهمد که ای نقرار بوده انسان بشود
- یا اینکه علقه خارج شود یعنی خون غلظی که به صورت لخته است خارج شود و یقین حاصل شود که این قرار بوده نوزاد بشود
- اما خونی که قبل از ولادت نوزاد خارج میشود استحاضه است

○ بعد از ولادت

- ممکن است که خون بعد از ولادت نوزاد کاملا خارج شود که بازهم نفاس است
- ولو اینکه بچه تکه تکه خارج شود و یا اینکه چند قلو باشد پس برا هر کدام از آنها نفاس است و اگر جه متصل باشند

□ منظور این است که مثلا امروز یکی از بچه ها بدنیا بیاید و فردا دیگری و یا مثلا

امروز تکه ای از بدن طفل بیرون بیاید و فردا دیگری و برای هر کدام نفاس است
مثلا اگر خانمی در روز اول ماه فرزند اولش بدنیا بیاید و روز بعد که دوم ماه است فرزند دومش بدنیا بیاید و آن خانم عادت ماهانه او هفت روز حیض باشد تا روز هشتم او نفاس است نه روز هفتم زیرا برای بار دوم او نفساء شده است

□ البته معمولا امروزه در موارد چند قلو و ... با سزارین شکم را پاره میکنند و همه در یک زمان بدنیا می آیند

• آیت الله مکارم ؟

○ مسأله ۴۸۶- در خون نفاس احتیاط

واجب این است که خلقت بچه تمام باشد، بنابراین اگر خون بسته‌ای از رحم خارج شود و بداند که اگر در رحم می‌ماند انسان می‌شد باید میان اعمال زنی که از خون پاک است و کارهایی را که حائض ترك می‌کند جمع نماید.

▪ آقای صافی + سیستانی + مجتبی برخلاف

بال هستند و انرا

○ مسأله ۴۸۷- هرگاه شك کند چیزی از او ساقط شده یا نه، یا چیزی که ساقط شده اگر می‌ماند انسان می‌شد یا نه، خونی که از او خارج می‌شود خون نفاس نیست، و لازم نیست جستجو کند.

• اقل مسماه ؛

○ ولو به يك لحظه خون ببیند نفساء است و اگر قطع شد باید غسل کند و اگر خونی را هم ندید

نفاس نیست

• اكثر مسماه ؛

○ اگر عادت دارد :

▪ مدت عادت نفاس و مابقی استحاضه

○ اگر عادت ندارد :

▪ اگر در يك طرف

• آیت الله مکارم :

○ مسأله ۴۹۳- زنی که عادت او در حیض

کمتر از ده روز است، اگر بیشتر از

روزهای عادتش خون نفاس ببیند باید به

اندازه روزهای عادت خود نفاس قرار دهد

و بعد از آن، تا روز دهم بنا بر احتیاط

واجب ترك عبادت کند، اگر خون از ده

روز گذشت فقط به اندازه روزهای عادتش

نفاس است و بقیه استحاضه و عباداتی را

که در این چند روز ترك کرده، باید قضا

کند.

▪ اقا مجتبی نیز همین فتوی را دارند در لمعه

هم همین است ، اقا صافی متفاوت بودند

○ مسأله ۴۹۴- بسیاری از زنان بعد از وضع

حمل يك ماه یا بیشتر خون می بینند، چنین

زنانی اگر در حیض عادت دارند باید به

تعداد روزهای عادتشان نفاس قرار دهند

بعد از آن تا ده روز حکم استحاضه دارد،

بعد از گذشتن ده روز اگر همزمان با ایام

عادت حیضش باشد باید مطابق احکام

حائض عمل کند (خواه نشانه های خون

حیض را داشته باشد یا نه) و اگر همزمان

با ایام عادتش نباشد حکم استحاضه دارد،

مگر این که خون دارای نشانه های حیض

باشد.

○ اگر عادت وقتی و عددیه دارد ؛

▪ عادت نفاس است

▪ ما بقی تا زمان عادت بعدی استاضه است

○ اگر عادت عددیه دارد ؛

▪ عادت

▪ ۱۰ روز استحاضه

• سیستمی و آیت الله بهجت (احتیاط مستحب) :

○ فاقد عادت تا ده روز نفاس و سپس تا هجده

روز احتیاط بین تروک حائض و اعمال

مستحاضه

• همه احکامشان یکی است

○ تفاوت ها :

▪ حدی برای آن در سن نیست

▪ دلالت بر بلوغ میکند حیض اما نفاس نمی کند زیرا حتما موخر از حیض

است !!!

▪ عده به واسطه تعداد حیض به اتمام میرسد

▪ حائض به عادت اهلش و اقراش و تمیز و و روایت رجوع میکند

برخلاف نفاس

▪ نفاس حد اقل طهر ندارد مقلا برای کسی که دو زایمان دارد در دو زمان

مختلف برای دو قلوها

• واجب است وضو قبل از غسل استحاضه (قبل یا بعد فرقی ندارد) و مستحب است قبل

از غسل باشد

○ مخیر است ه نیت اباحه صلاۀ کند یا رفع حدث

• موضوع :

- مس با میت آدمی که نجس باشد
 - بعد از سرزد شدن بدن و قبل از اتمام سه غسل
 - اعضا قطع شده استخوان دارد و همچنین جزء جدا شده مه زنده بوده در حکم میت هستند
 - مصنف استخون خالی را نیز در حکم میت میدانند زیرا دخول اعضا در حکم میت منوط به استخوان دارد بودن آن است (شهیئ ثانی ان را اضعیف میدانند)
- وجوب شستن عضو لمس کننده میت :
 - واجب است
 - واجب نیست (مصنف)
- وجوب شستن عضو لمس کننده میت طاهر :
 - واجب است
 - واجب نیست (مصنف)
- وجوب وضو در غسل مس میت :
 - مانند دیگر اغسال (غیر از جنابت) برای نماز نیاز به وضو دارد

احكام اموات

شنبه, ۲۴ آذر ۱۳۹۷ ۲۳:۱۸

• وجه تسمیه :

○ به علت حضور ملائکه

○ به علت حضور اهل و عیال و فامیل

○ به علت حضور موت

• احکام :

○ واجب :

▪ واجب کفایی است که او ار رو به قبله بخوابانند به طوری که اگر بنشیند

رو به قبله باشد

□ این وجوب کفایی است

□ اختصاص به ولی او ندارد هر چند که اولی است او انجام دهد

○ مستحب :

▪ او را به مکان نمازش ببرند

□ شهید ثانی قید میزنند که اگر داشت سخت جان میداد

▪ تلقین

▪ به :

◆ شهادتین

◆ اقرار به ائمه علیهم السلام

◆ کلمات فرج

◇ لا اله الا الله الحليم الكريم لا اله الا الله العلي العظيم سبحانه

الله رب السموات السبع و رب الارضين السبع و ما فيهن و

ما بينهن و رب العرش العظيم و سلام على المرسلين و

الحمد لله رب العالمين

◇ بهتر است آخرین کلمه او لا اله الا الله باشد که هر چه چنین

باشد داخل بر بهشت می شود

□ توضیحات :

◇ منظور از تلقین تفهیم است

◇ بهرت است که شخص نیز همراهی کند با زبان و قلب و اگر

نشد فقط قلب

■ قرائت قرآن قبل از خروج روح و بد از آن :

□ برای برکة و دفاع در برابر شیطان لعین

□ خصوصاً یس و صفات

■ اگر در شب است یمک چراغ بالا سر او روشن کنیم

■ بعد از مرگش سریع چشم هایش را ببندیم

■ دهانش را با دستمالس به سرش ببندیم

■ دستانش را کنار بدنش بگذاریم

■ پارچه را روی آن بیاندازیم

□ برای تاسی به سنت نبوی

□ برای احترام به بدن میت مومن

◇ السلام علی من هتک حرمته

◇ السلام علی المدفونین بلا اکفان

◇ السلام علی البلاء السابلات

◇ السلام علی الابدان الزابلات

■ در تجهیزش تعجیل شود

□ مگر اینکه امکان اشتباه موجود باشد یعنی ممکن است زنده دفن کنند

که در اینصورت سه روز صبر کنند و یا از امارت موت استفاده کنند :

◆ فرورفتگی گیجگاه

◆ کج شدن بینی

◆ کشیده شدن صورت و پوست

◆ کف دستش زیر پوست از آرنج جدا میشود و فاصله می افتد

بینش

◆ استرخاء قئیمه !!!!

◆ بیضه هایش به تو برمیگردد

○ مکروهات :

■ حضور جنبو حائض در نزد او

□ زیرا ملائکه از ایشان اذیت میشوند

□ این کراهت تا مرگ ادامه دارد و بازگشت ملائکه

■ قرار دادن آهن بروی شکمش

□ التبه غیر از میدان جنگ

□ کراهتی در باب اجرای اصل نیست و با این وجود قبلی بر کراهت آن

داریم

• غسل میت مسلمان و هر آنکه در حکمش است واجب است

○ مانند طفل

▪ جنینی که چهار ماه از او گذشته و بعد سقط شده است نیز غسل لازم دارد

▪ اما اگر از آن کمتر از ۴ ماه بود داخل یک پارچه ای بپیچند و دفن کنند بدون غسل

○ دیوانه متولد از مسلمان

○ کسی که در بلاد مسلمین مرده

○ یا بلد کفری ه ممکن است مسلمین در آن باشد

○ کسی که به دست مسلمان اسیر شده است

○ ولد الزنا هم مسلمان محسوب میشود

▪ در این که ولد الزنا مسلمان هست یا ه بحث است اما او از پدر تبعیت میکند در دینش زیرا ؛

□ بر پدر نکاح با او حرام است

□ حقیقه از او متولد شده است

○ ناصبی و خارجی و مجسمه که از کفار هستند از این مطلب خارج اند

▪ شهید اول اینها ار استثنا نکرده زیرا اینها اصلا مسلمان نیستند ولو اینکه اینطوری نامیده شوند

▪ استاد: در جنگ میان مسلمین به کشته شدگان طرف مقابل نباید نماز خواند و غسل داد زیرا اینها با اینکه مسلمان اند ولی چون محدود

الدم محسوب میشوند

• دستور غسل

○ یک غسل با آب مخلوط به سدر

▪ مقدار خلیط (سدر) باید به مقداری باشد که به آن گفته شود آب سدر و نه باید کمتری یا بیشتر از آن باشد که دیگر آن آب از اطلاق

خارج شود و مضاف گردد

○ یک غسل با آب مخلوط به کافور

▪ مقدار خلیط (کافور) باید به مقداری باشد که به آن گفته شود آب کافور و نه باید کمتری یا بیشتر از آن باشد که دیگر آن آب از اطلاق

خارج شود و مضاف گردد

○ یک غسل با آب خالص

▪ منظور آب خالص و مطلق است

▪ هر سه این اغسال مثل غسل جنابت است

□ از سر و گردن شروع کند و سپس سمت راست او و سپس سمت چپ او را بشوید

□ یا او را غسل ارتماسی دهد

□ برای اغسال در ابتدا نیت کند و بهتر است برای هر یک از اغسال یک نیت کند

○ احکام

- اگر غسل يك نفر بود و نیت كری كس دیگری نمی تواند كمك كند
- و اگر چند نفر بودند همه با هم نیت میکنند
- و اگر یکی اب میرزد و یکی میشود هر دو باید نیت کنند

- هر کسی که در ارث بردن اولی است در دیگر احکام هم اولی است
 - اگر یک وارث داشته این اولویت اختصاص به او دارد
 - اگر چند نفر بودند مرد اولویت دارد بر زن
 - البته این جا بنظر یا باید بگوییم
 - اولویت به انجام غسل مد نظر شهید ثانی بوده که در اینصورت ؛ باید اینطور توجیه کرد که شهید میت مرد را در نظر گرفته است که البته بازهم اشکال به این وارد میشود
 - اولویت به انجام احکام است یعنی کسی که متولی امور تجهیز تشیع و... میشود به عبارت بهتر مدیریت کار بر عهده اوست
- به صورت مطلق زوج برای تغسیل زوجه خود اولویت دارد
 - فرقی بین زوجیت دائم و موقت نیست
- واجب است مساوات بین جنسیت میت و غاسل رعایت شود
 - اگر ولی می با او از جنسیت مخالف بود به هم جنس او اذن دهد تا اینکار را انجام دهد و این منافی با ولایت او نیست
 - شهید اول در متن قید رجولیت و انوثیت ار گذاشتند تا بیان دارند که پسر بچه و دختر بچه زیر سه سال که این دو لفظ بر آنها اطلاق نمی شود نیازی به هماهنگی جنسیتی نیست
 - شهید ثانی به این مطلب توسط شهید اول ایراد میگیرند که رجولیت و انوثیت در بحث بلوغ به افراد اطلاق میشود نه سن سه سالگی و اگر اینطور باشد زن میتواند پسر ۱۴ ساله را غسل دهد (برداشت از حاشیه مرحوم کلانتر)
 - البته این مساواة در غیر زوجین است

- مرد زن خود را با ولایتی که نسبت به او دارد غسل میدهد
 - زن اگر خود ولی میت باشد که غسل میدهد ولی اگر نیست باید با اذن ولی باشد
 - مشهور این است که از زیر لباس اینکار را انام دهد هر چند که نگاه کردن جایز است
 - فرقی ندارد که زوجین یا یکی از آنها حر باشد یا بنده ، امیزش داشته باشند یا نداشته باشند
 - زنی که طلاق رجعی گرفته تا موقعی که مدت عده او تمام نشده نیز میتواند اینکار را بکند و اگر یکی در زمان عده بمیرد دیگری میتواند او را بعد از ایام عده غسل دهد
 - همچنین مولی میتواند کنیز خود را ولو اینکه با او نزدیکی نداشته غسل دهد غیر از مکاتبه زیرا ملکیت برای آن زن از آن مولی از بین رفته است
 - کنیز نمی تواند مولی را غسل دهد
 - بله ولی اگر کنیز ام ولد باشد و در زمان موت مولی در نکاح کسی نباشد میتواند مولی را غسل دهد
 - در جایی که عذری وجود دارد میتواند محرم با جنس مخالف او را غسل دهد .
 - محرم منظور کسی است که به واسطه نسبت فامیلی و یا رضاعی و یا سبب زوجیت نمی تواند با هم ازدواج کنند
 - این شخص باید از روی لباس غسل دهد
 - اگر مسلمان محرمی باری غسل دادن نبود یک کافری را می آورند تا با آوازش مسلمان میت را غسل دهد طبیعی است باید کافر با میت مماثل باشد
 - البته او صورت و ظاهر غسل را انجام میدهد زیرا نیت و قصد قربت در این عمل شرط است و کافر که اگر بخواهد نیت کند یعنی خدا را قبول دارد
- پس دیگر کار نیست

▪ محقق حلی این را رد کردند زیرا ضعف سند دارد و اصلاً نمی توان آنرا

غسل گفت

▪ پدر و مادر میتواند اب نس مخالف فرند خود ار غسل دهند اگر زیر سه

سال باشد

○ نکته مهم :

▪ ته سن ، غایت سن لحظه موت است فلذا اگر پسر بچه ای در ۲سال و نیمه

فوت کرد و الان سه سال و نیمه شده است را باید ملحق به کودک کرد

- شهید و هر آنکه در حکم اویند ،
 - کسی که در میدان نبرد مرده نبردی که به حکمی نبی و یا وصی و یا نایب خاص او تشکیل شده باشد
 - کسی که در زمان غیبت کشته شود در زمان تجاوز به حدود کشور اسلامی که در اینجا اجازه امام یا نایب او هم نیاز نیست
- وجه تسمیه شهید : مشهود است به جنت و مغفرت
- فقط بای دبر او نماز خواند و با همان لباس دفن کرد
- باید چیزی مانند پوستیم و .. را از بدن او در آورد (مثلا کاپشن) تا با دو لباس مانند کفن دفن شود ولو اینکه اغشته به خون است
- اما افرادی که در عرف شهید نامیده شده اند و یا در روایات اجر شهید را دارند ، باید غسل کفن شوند استثنا فقط برای شهید معرکه است
- و واجب است قبل از شروع غسل نجاسات عرضی از بدن او ازاله کنند
- علت قید عرضی بنظر میرسد این باشد که خود میت هم نجس است

- البسه او را یا وارث یا کسی با اذن او پاره کند
- لباس را از پایین بدنش در بیاورند
 - که ظن هست که نجاست اگر از او خارج شود با البسه به پایین بیاید و با ابالی بدن سرایت نکند
 - مستحب است از روی لباس او را غسل دهند و لباس و به محض پاک شدن بدن میت پاک میشود به تبعیت بدون اینکه لازم باشد آنرا فشار دهند
 - البته اگر لباس را از بدن خارج میکنند واجب است که عورت را نیز بپوشانند ، مگر اینکه غسل کور باشد و یا اینکه مطمئن باشد که از عورت او غض بصر میکند که در اینصورت استظهار عورت مستحب است
- بر تخته ای از چوب ساج او را غسل دهند
 - برای اینکه بدنش از خراب شدن جلوگیری کنند
- ولی بر جای مرتفع میت را بگذارند
- رو به قبله بخوابانند
- تثلیث غسلات داشته باشد
 - یعنی در هر غسل هر عضو را سه بار غسل دهد
- در هر غسل دست میت را تا نصف ذراع بشورد
- غاسل دستش رو تا آرنج برای هر غسل شستشو دهد
- قبل از غسل اول و دوم شکم او را با فشاری مسج کند
 - تا اگر چیزی از نجاسات باقی مانده باشد خارج شود
 - غیر از زن حامله ای که بچه هم در شکمش مرده اینکار را نکند تا یک مرتبه بچه متولد نشود

- او را قبل از تکفین با چیزی خشک کنند
- غسله را در چاه توالت نریزند بهتر است حفره ای قرار دهند برای اینکار
-

مکروهات غسل

جمعه، ۷ دی ۱۳۹۷ ۱۴:۳۵

- غاسل بر او سوار نشود
- یعنی او را بین پایهای خود قرار ندهد
- میت را نشانند
- ناخنهای او را کوتاه نکنند
- موهای او را کوتاه نکنند
- اگر زدند و کوتاه کردند باید مو و ناخن را با او دفن کنند

تکفین

جمعه، ۷ دی ۱۳۹۷ ۱۴:۳۶

• تعداد اجزای کفن (۳ لباس باشد) :

○ مژر

- بین ناف تا زانو را می پوشاند
- مستحب است بین سینه تا کف پا را بپوشاند

○ قمیص

- مانند پیراهن به تن میت میشود و بدون آستین است و تا نصف ساق پا برسد و بهتر است به کف پا برسد

○ ازار :

- تمام بدن را شامل میشود
- مستحب است که از قامت میت بلند تر باشد و باید طوری باشد که بتواند از طرف میت به طرفی دیگر انداخت

• جنس

- باید حال میت را مراعات کرد ، و با توجه به وضعیت مالی او و ارثی که گذاشته و ... تطبیق داد ؛
- باید طوری باشند هر کدام از آنها که کل آنها بدن را پوشش دهد یعنی به قدری نازک نباشد که بدن با آن پوشیده نشود و آنچه زیر آن است را حکایت کند
- از جنس پارچه باشد که مرد با آن میتواند نماز بخواند ولی افضل پارچه پنبه ای سفید است
- پوست حیوان :

- در این وجهی از منع است زیرا ؛

□ از اطلاق روایت در باب ثوب این فهم نمی شود

- دستور داده اند از تن شهید خارج کنید
- همه این موارد در صورتی بود که ما قدر انجام این مطالب را داشته باشیم
- اما اگر مضطر بودیم ؛

- ◆ به هر آنچه که داریم اکتفا میکنیم در تعداد
- ◆ اما در جنس به هر چیز مباحی آنرا کفن میکنیم
- ◇ لکن پوست رو بر حریر مقدم کنیم
- ▶ اگر چه ز کرک یا پشم و یا مو حیوان غیر ماکول

اللحم باشد

◇ اگر نبود از پارچه نجس استفاده میکنیم

◇ المنع.....

• حنوط :

- محل سجده میت را با کافور بمالد
- اقل آن کنتریمن مقداری است که در عرف گفته شود اینکار را کرد
- مستحب است مقدار آن ۳ درهم و یک سوم باشد
- کتر از آن چهارتر درهم و کمرت از آن یک مثقال و ثلث مثقالا باشد و
- کتر از آن یک مثقال (این مقادیر مستحبی است)
- باقی مانده را بر روی سینه قرار دهد در بعضی از احوال آن نیز مسجد است
-

- این مورد بر کفن اضافه شود :

○ حبره

▪ لباس یمین که قرمز است

▪ اگر نتانست یکی را پیدا کند که همه آن صفات را دارار باشد ساقط میشود و بر همان مقتدرا که میتواند کفایت کند

مثلا غیریمینی ای نرا بیاید

○ عمامه برای مردان

▪ عمامه که بر سر مینهند که شامل تحتک الهنک هم باشد

▪ هر چه که اسم آن کفایت کند باشد کافی است

○ خامسه:

▪ عدد به این علت پنج است که عمامه را جز این نداشتسته است

▪ این پارچه در ظاهر شورت است و حکم پوشک را دارد

▪ اندازه :

▪ ۳اونیم ذراع در نیم ذراع یا یک ذراع

▪ آنرا بین پای میت می اندازند

▪ و دو طرف آنرا روی شک و کمر پاک میدند و از طرفین بهم گره میزنند

○ قناع برای میت زن بدل از عمامه

▪ سر او را می پوشانند

▪ و اضافه بر ای ن برای زن

□ نمط رو اضافه کن د

◆ پارچه است از پشم که خطوط رنگی در آن است و همه بدن را در بر میگیرد

□ پارچه دیگری رو هم اضافه که بیاید و سینه ها را در بر بگیرد و از پشت بسته شود

◆ مضاف این دو را بیان نکرده به خاطر ضعف سندش

- نوشتن اسمش و اینکه شها تیم میدهد و اسماء ائمه علیهم السلام

○ با تربت حسینی علیا لاسلام یا با خاک روشن

▪ اینها را بر عمامه و پیراهن و سرتا سری و حبره جریدتین بنویسد

- گذاشتن دو چوب تازه در قبر میت از سدر / خلاف / انار / درخت میوه (اینها به ترتیب فضیلت بیان شده است

○ کی را در سمت راست او قرار دهید و دیگری را در سمت چپ او

▪ سمت راسنی را زیر ترقوه

▪ بین پوست و پیراهن

▪ سمت چپی را بین پیراهن و سرتاسری قرار می‌دهی بالای قروه

□ تا زمانی که اینها تازه هستند او عذاب نمی شود

▪ اندازه اونها بهتر است به اندازه ذراع میت باشد و اگر نشد به اندازه و اشبر و اگر نشد به اندازه انگشتان او باشد

▪ آن چه که در اخبار وار د شده فقط این است که امام صادق بر حاشیه کفن پسرشان نوشتند اسماعیل یشهد ان لا اله

الا لله وما بقی را اصحاب و فقها اضافه کردند

◆ زیرا اینها خیر محض است و برای تبرک است و شریعت اجازه می‌دهد پس برای همین بسیار اختلاف در

بیان اذکار و .. دارند

• اگر کفن نیاز به دوختن داشت از نخ خودش دوخته شود

• ولا تبل بالریق

- اکمام
 - پاره کردن کفن به واسطه آهن
 - کافور بر دهان و گوش و چشم ریختن
- برخلاف صدوق رحمه الله که آن را مستحب میدانند ولی هرچند که مخالف اصح روایات است

- مستحب است که غاسل قبل از تکفین ، غسل مس میت کند
- یا وضو بگیرد (همان وضویی که با غسل مس میت جمع شود میشود نماز خواند)
 - نیت رفع حدث کند یا نیت استباحه صلاة کند یا به نیت اکمال عمل تکفین کند
 - این تعدادی از نیت ها برای طهارت است
 - اما مطلبی این جا هست که آیا رفع حدث و استباحه صلاة يك امر بسیط است یا مشکک ؛

□ بنظر امری بسیط است زیرا شخصی که غسل مس میت کند و وضو نگرفته باشد ، نمی تواند نماز بخواند بنا بر فتوی مشهور و هر دو این در زمان اتمام غسل و وضو ایجاد میشود اما نظر ایت الله مکارم کفایت این هاست یعنی غسل از وضو کفایت میکند اما نه وضو از غسل زیار رفع حدث به واسطه غسل است قطعاً استباحه هم یعنی طهاره

○ اما اگر عذری بود ، سه مرتبه دست خود را بشوید و میت را کفن کند

الصلاة على الميت

جمعه، ٧ دى ١٣٩٧ ١٤:٣٧

من تجب عليه الصلاة

جمعه، ۷ دی ۱۳۹۷ ۰۰:۵۶

کسی که شش سالش تمام شده باشد از افرادی که حکم اسلام بر آنها بار میشود واجب است

• قیام

- اگر قدرت داشته باشد
- اگر عاجز بود به همان طور که نماز یومیه را میخواند ، بخواند
- سوال آیا از کسی که عاجز است نماز ساقط میشود ؟ ۲ :
- از یک طرف نماز صحیحی بر نماز او بار میشود
- از یک طرف از نماز ایستاده ناقص است

• استقبال قبله

- سر میت سمت راست مصلی و پای او سمت چپ مصلی باشد
 - به پشت خوابیده باشد
 - در مقابل مصلی باشد مگر در نماز جماعت که در مقابل ماموم نیست
 - **تغفر حیوۃ**
 - فاصله بیش از اندازه معمول نباشد
 - از باب شرط بودن ستر عورت مصلی و طهارت بدن و لباسش از خبث دو وجه است
 - نیت :

▪ مشتمل باشد بر ؛

- قصد فعل که همان طلاء بر میت باشد
- بر تعداد میت که یک میت است یا متعدد است

□ و هر چند که شخص رو نشناسد و اگر مرد و یا زن بودن او را نفهمد ، میتواند ضماین مرد را بگوید و یا زن مؤولا بالمیت و الجنازة و متقربا و فی

اعتبار الوجه

▪ مقارنه با تکبیر داشته باشد

• پنج تکبیر ؛

- یکی از آنها برای تکبیره الاحرام است و این برای غیر اهل عامه است
- شهادت بدهد به شهادتین بعد از تکبیر اولی
- بر پیامبر و آل او علیهم السلام بعد از تکبیر دوم
- مستحب است که بر باقی انبیا هم صلوات بفرستد
- بعد از تکبیر سوم برای مومنین دعا کند
- بعد از چهارمی برای میت دعا کند
- در مستضعفین ، هم دعا کند افرادی که حق رو اصلا نشناختند ولی معاند هم نباشد
- اما اگر او را نمی شناخت اینطور بگوید اللهم اغفر للذین تابوا و اتبعوا سبیلک و قهم عذاب الجحیم
- در نماز میت طفل برای پدر و مادرش دعا کنند
- منظور از طفل پیه ای است که بالغ نشده باشد
- منافق که همان مخالف است
- ۴ تکبیر بیشتر نگوید و در تکبیر آخر او را لعن کند

- ارکان نماز؛ ۷ تاست : نیت ، قیام برای قادر و ۵ تکبیر
- در نماز طهارت از حدث اصلا شرط نیست ،
- تسلیم هم شرط نیست

- اعلام به مومنین
 - تا برای تشییع و تجهیز او حاضر شوند ، برای آن ها اجر و مغفرت نوشته میشود
 - تشییع کننده در یکی از طرفین میت راه برود و پشت آن نه مقدم بر میت
 - تربیع :
 - ۴ مرد ۴ طرف آنرا بگیرند
 - بهتر تناوب است یعنی هی جایشان را عوض کند
 - و بهتر است ابتدا جلوی جنازه را با شانه راستش بگرد و سپس پشت جنازه را با شانه راستش و سپس با شانه چپ ، عقب میت را بگیرد و سپس با شانه چپ جلو میت را بگیرد
 - دعا کند برای او
 - در حال تشییع
 - بسم الله ، اللهم صل علی محمد و آل محمد ، اللهم اغفر للمومنین و المومنات
 - زمان مشاهده میت :
 - الله اکبر هذا ما وعدنا الله و رسوله و صدق الله ورسوله ، اللهم زدنا ایمانا و تسلیما ، الحمد لله الذی تعزز بالقدرة ، و قهر العباد بالموت ، الحمد لله الذی لم يجعلنی من السواد المخترم
 - طهارت داشته باشد ولو طهارت تیمیمی حتی در زمانی که آب هم درد سترس است و می ترسد که نماز از دست برود و شهید ثانی اضافه میکنند همینطور است بدون خوف فوت صلاة بنا بر مشهور
 - توقف امام یا مصلی اگر یک نفر است

- در مرد : در میانه بدن
- در زن : در مقابل سینه
- شیخ طوسی در مرد مقابل سر او بایستید و در زن مقابل سینه اش
- خنثی را در حکم زن بگیرید
- در جایی نماز میت بخوانند که معمولا در آنجا نماز میت خوانده میشود
 - به خاطر تبرک به علت کثرت اقامه نماز در آنجا
 - و اینکه اگر کسی شنید فلانی مرده بداند در کجا بر او نماز میخوانند
- در هر تکبیر دست ها را تا بال بیاورد
 - اکثرین این را به تکبیر اول اختصاص داده اند
- هر دو اینها مروی هستند و تعارض ندارند زیرا کار مستحب گاهی اوقات ترک میشود
- اگر کسی به تکبیر اول امام یا بعضی از تکبیر ها نرسید ، با امام شروع میکند و ادعیه همان را میخواند که امام میخواند و سپس بعد از اتمتم تکبیر پنجم امام تکبیر ها را بدون ادعیه تکمیل میکند
- اگر او را سریع بعد از نماز داخل قبر گذاشتن شخص تکبیرا تباقی مانده را بر قبر او میگوید که فرض این هم بعید است
- **ولاء**

الصلاة على الميت بعد الدفن

جمعه، ۷ دی ۱۳۹۷ ۰۰:۵۷

• میتواند کسی که بر آن میت نماز نخوانده بر قبر او نماز بخواند

صبح یا شب

یا دائما

تا ته متن

- اگر در اثناء نماز میت جنازه ی دیگری را بیاورند
 - نماز اولی را تمام کند و سپس برای دومی نماز را شروع کند
 - این کار بهتر است مگر این که بر میت دومی ترس است که اگر الان نماز را نشکنند میت دومی فاسد میشود و باید سریعتر او را دفن کرد
 - گاهی برخی قیلیدن که: **بتعینیه**
 - علامه و برخی متاخرین شخص مخیر است:
 - بین قطع نماز و شروع دومی برای هردو
 - اتمام اولی و نماز دیگری برای دومی

□ مستند میکنند قول خود را روایت جناب علی بن جعفر از امام کاظم علیه السلام

□ الكافي (ط-الإسلامية)، ج ۳، ص: ۱۹۰

◆ ۱- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنِ الْعُمَرِيِّ عَنِ عَلِيِّ بْنِ جَعْفَرٍ عَنْ أَخِيهِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ قَوْمٍ كَبُرُوا عَلَى جِنَازَةِ تَكْبِيرَةً أَوْ ثَلَاثِينَ وَ وَضَعَتْ مَعَهَا أُخْرَى كَيْفَ يَصْنَعُونَ بِهَا قَالَ إِنْ شَاءَ وَاتْرَكَوا الأُولَى حَتَّى يَفْرُغُوا مِنَ التَّكْبِيرِ عَلَى الأَخِيرَةِ وَإِنْ شَاءَ وَارْفَعُوا الأُولَى وَ أَمُّوا مَا بَقِيَ عَلَى الأَخِيرَةِ كُلُّ ذَلِكَ لِأَبَاسٍ بِهِ.

□ مصنف در کتاب الذکری:

◆ روایت قاصر است از افاده این معنا و در حالی که ظاهر است که مابقی تکبیرات روایت بحث بشه

◆ از طرفی قطع نماز واجب حرام است

◇ البته اگر برای جنازه دوم ترسی بود که از بین برود باید قطع کرد و دوباره خواند

◇ تا ته متن از روی النصید خوانده شه

الدفن

جمعه، ۷ دی ۱۳۹۷ ۱۴:۳۷

• پوشاندن در خاک

- به طوری که بدن او در خاک پنهان شود
- و از حیوانات در امان بماند
- و بوی آن در هوا منتشر نشود

مستحبات الدفن

جمعه، ۷ دی ۱۳۹۷ ۰۰:۵۸

كفائیه احكام المیت

جمعه، ۷ دی ۱۳۹۷ ۰۰:۵۸

التيمم

شنبه, ٣١ شهريور ١٣٩٧ ١٧:١٥

سن حیض :

بعد از اكمال نه سال قمری و قبل از ۵۰ سال

کل ما امکان کونه حیضا حیض

بین سه و ده باشد

انقطاع خون قبل از ده روز کلا حیض است

تعاریف سه نوع زن

دو ماه پشت سرهم ببیند و دو ماه آتی نقض نشود و نقض آن در صورتی باشد که

کمتر از عشره باشد و بهم بخورد

اقل ایام طهر

نقاء

تجاوز از عشره :

صفات حیض :

محرمات

• استحاضه

○ تعریف: هر جا که نشود نفاس قرار داده و نشود حیض قرار داد

○ سه نوع

○ وظایف

• نفاس :

○ خون دیدن تا دهم / ولو از چهارمین روز خون ببیند

